

# ۳۸ سال نبرد پیگیر در راه کسب استقلال ملی، آزادی و تأمین خواست‌های زحمتکشان!

در صفحه ۳

## مبارزه «مردم» همراه مردم در دفاع از انقلاب ادامه دارد

در ۲۹ مردادماه ۱۳۵۸، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، بدستور دادستان سابق انقلاب مرکز توقیف شد. بدون کوچکترین دلیل. و این واقعه را حتی مخالفان سیاسی و ایدئولوژیک، ولی واقع بین و منصف حزب مانیز تأیید کردند. و همین واقعه تاسف و نگرانی عمیق و همدردی همه هواداران آزادی، همه وفاداران به انقلاب بزرگ مردم ایران را، صرف نظر از تفاوت‌های سیاسی و مسلکی، موجب گردید.

در واقع هم چه ایراد و اتهامی میتوان به «مردم» وارد ساخت؛ «مردم» که دهها سال با اصولیت، با قاطعیت و با پیگیری علیه امپریالیسم، ارتجاع و استبداد سلطنتی، بخاطر استقلال، آزادی و عدالت و در دفاع از زحمتکشان و محرومان مبارزه کرده، «مردم» که انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، برهبری امام خمینی، را تهنیت گفته و تأیید کرده و پس از سی سال انتشار مخفی - که به «جرم» همین مبارزه بوده - در دوران پس از پیروزی انقلاب بطور علنی انتشار یافته و به دفاع از دستاوردهای انقلاب پرداخته، در راه تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب کوشیده، از چهره ضد انقلاب - یعنی عوامل امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و بازمندان رژیم پهلوی - زیر ماسکهای «چپ» و راست پرده برداشته، از حقوق و منافع زحمتکشان و محرومان جامعه دفاع کرده، به انتقاد سازنده از نقائص دستگاه‌های اجرائی و تصمیم گیرنده پرداخته، پیشنهادهای سازنده برای غلبه بر مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در دوران گذار ارائه داده و تمام نیروی خود را برای متحد ساختن نیروهای خلقی، نیروهای انقلابی و همه هواداران راستین استقلال و آزادی ایران بکار برده - آری، از موضع انقلابی، به این «مردم» چه ایراد و اتهامی میتوان وارد ساخت؛ هیچ!

بر اساس همین واقعه، خوشبختانه اینک از «مردم» رفع توقیف بعمل آمده و «مردم» میتواند پس از یک وقفه ناخواسته، به مبارزه انقلابی و اصولی خود، همراه مردم ایران، یعنی سرچشمه زندگی، دوام و قدرت «مردم»، در دفاع از انقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش آن ادامه دهد.

«مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، زبان کارگران و زحمتکشان و همه محرومان جامعه، ندای بخشی از وفادارترین نیروهای انقلاب ایران، صدای بخشی از پیگیرترین اصولیترین نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی ایران است. همه کسانی که صادقانه و صمیمانه به انقلاب ایران وفادارند، همه علاقمندان صدیق استقلال، آزادی و عدالت، در دوران توقیف بدون دلیل «مردم»، بیش از گذشته درک کردند که انتشار «مردم» بود انقلاب و عدم انتشار «مردم» بزبان انقلاب است. بویژه در شرایط حساس و بحرانی کنونی کشور ما، این واقعه بیش از گذشته درک شد.

اینک که «مردم» بار دیگر انتشار مییابد، از همه اعضاء، هواداران و دوستان حزب، از همه کسانی که، صرف نظر از عقاید سیاسی و مسلکی خود، از توقیف بدون دلیل «مردم» ابراز تاسف کرده و همبستگی خود را با «مردم» اعلام داشته‌اند، صمیمانه سپاسگزاریم و تجدید پیمان میکنیم که «مردم»، استوار و بی‌تزلزل، مانند همیشه، به مبارزه انقلابی و اصولی خود در دفاع از انقلاب ایران و برای تثبیت، تحکیم و گسترش آن ادامه خواهد داد.

ما مطمئن داریم که در این مبارزه مردم، مانند همیشه یار و پشتیبان «مردم» خواهند بود،

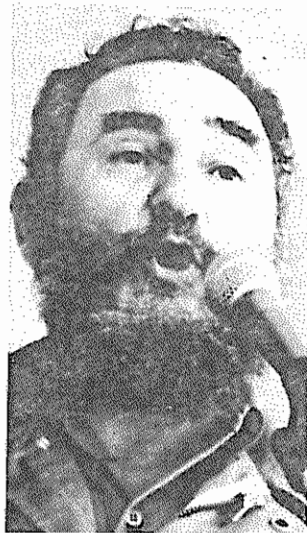
## امام خمینی گفت:

زیر بار ظلم نروید و هشیارانه نقشه‌های شوم جهانخواران بین‌المللی را، که در رأس آنها امریکاست افشا کنید.  
(از پیام امام به کنگره جهانی حج)

## تبریک

هیئت تحریریه «مردم»، سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، رابهررقای حزبی، به هواداران و دوستان حزب صمیمانه تبریک میگوید. و موفقیت آنان را در مبارزه بخاطر پیشبرد مشی حزب، در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران آرزو مند است.

## نطق فیدل کاسترو در کنفرانس کشورهای غیر متعهد



رفیق فیدل کاسترو رهبر انقلابی خلق قهرمان کوبا، بنسوان رئیس ششمین کنفرانس کشور های غیر متعهد، که اخیراً در هاوانا، پایتخت کوبای سوسیالیستی تشکیل شد، نطق بسیار مهم و جالبی ایراد کرد. از آنجا که متن کامل این نطق در هیچیک از جرائد ایران انتشار نیافت، ما بعلت اهمیت آن، ترجمه متن کامل نطق فیدل کاسترو را در چند شماره به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم. صفحه ۲

## در باره مجلس خبرگان و مصوبات آن

مجلس خبرگان، عملاً از کار اصلی خود، که بحث پیرامون پیش نویس قانون اساسی منتشره در خرداد ۵۸ بود، بدور افتاده است. در لاسمت عمده و اصولی موادی که تاکنون مورد بحث و تصویب قرار گرفته، زیر فشار یک گروه نیرومند، متن اولیه که بنظر مردم گذاشته شده بود، بکناری نهاده شده و مطالب و موادی بکلی تازه یا به حد قابل توجه تازه‌ای جانشین آن شده است.

مردم بامتن اولیه آشنا شده بودند، پیرامون آن متن بحثها و اظهار نظرها در مقیاس کشوری سازمان یافت، و از آن مهمتر، انتخابات مجلس خبرگان برای بحث پیرامون آن متن انجام گرفت. نه برای تهیه متن جدیدی، و اسم آنهم «مجلس بررسی پیش نویس قانون اساسی» بود، نه مجلس مؤسسان تدوین متن جدید قانون اساسی. این راهم اضافه کنیم که مقامات سرشناس و موثری نظیر آقایان قطب زاده و بنی صدر، که به مرکز رهبری نزدیک اند و صاحب مسؤلیتهای معینی نیز هستند، صراحتاً گفتند و تأکید کردند که شخص امام خمینی پیش نویس را مطالعه کرده و بیچون و دونه در مسائل فرعی، کلاً آن پیش نویس را مورد تأیید قرار داده‌اند. باینترتیب عملاً نحوه کار مجلس خبرگان، که ترک پیش نویس قبلی است، نه فقط میتواند همه گونه تردید و نگرانی بیا فریند، بلکه از نظر حقوقی نیز قانونیت نمره کار نمایندگان رازیر علامت سؤال قرار دهد.

بدرازا کشیدن کار مجلس خبرگان یکی از نتایج این کنار گذاشتن پیش نویس اولیه و تدوین عملی متن جدید است. مهمتر آن که، در این میان گروه نیرومندی در این مجلس، با این عوض کردنها و جایگزین کردنها، عملاً تلاش کرده و موفق هم شده است که تاکنون متنی را تهیه کند فاقد تهدید در باره اساسیترین موازین آزادیهای فردی و اجتماعی، یا بدون صراحت و ضمانت، بدون تضمین آزادیهای اساسی دمکراتیک، یا مبهم و کشدار، فارغ از تضمین جدی حقوق و منافع توده‌های زحمتکش دهقانان و کارگران زنان و اقلیتها و ملیتها، یا قابل تفسیر و تاویل.

نکات مثبت و شالوده‌های درست پیش نویس قانون اساسی خرداد ماه، که نمیتوانست پایه محکمی برای بهبود آن و تنظیم یک قانون اساسی مناسب و شایسته جمهوری اسلامی و درخور انقلاب بزرگ مردم ایران باشد، زیر نام و بهانه «اسلامی کردن قانون اساسی»، بتدریج و کام یگام بکناری نهاده شده و میشود و تنها بندرتن و با استئنا برخی نکات مثبت باقی میماند، یا آشکارا تحریف نمیشود.

همه اینها خود نمونه‌ای از چرخش به راست در مجموعه سیاست داخلی کشور است که توسط یک گروه افراطی راست‌گرا تحمل شده، و در صورت ادامه، بدون تردید نتایج خطرناکی برای سر نوشت انقلاب به همراه خواهد داشت. شادروان طالقانی، مجاهد روشن بین و انقلابی پیکر، خیلی زود و با نظر صائبی این مشی راستگرایانه را که بر مجلس خبرگان حاکم شده و پیش نویس قانون اساسی را در معرض تحریف و تغییر قرار داده است، دید و عدم شرکت فعالی در کارهای مجلس نشانی بود از انراضائی بحق و نگرانی جدی اینکه این مجاهد کبیر داشت و توجه همکاران را به آن جلب میکرد.

خطر بیکه پیش نویس قانون اساسی را تهدید میکند، از همان روزهای اول تشکیل مجلس خبرگان بر ملا شد. اول شهر یور، بلافاصله پس از حمله به بسیاری از احزاب و گروههای سیاسی و بستن بسیاری از روزنامه‌ها و جراید، که خود نمونه بارز پیشبرد گرایش به راست بود، مسئله کنار گذاشتن طرح اولیه پیشنهادی به مردم، که وکالت نمایندگان برای بحث در باره آن و اعتبار نامه آنها تنها برای بررسی آن بود، مطرح شد. طی بحث معلوم شد که از روز سوم تشکیل مجلس عملاً طرح اولیه راد کرده است. آقای اردبیلی در روز بقیه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال اول، شماره ۵۶  
سه شنبه ۱۰ مهر ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

### درباره مجلس خبرگان ومصوبات آن...

بقیه از صفحه ۱

چهارم (اول شهریور) گفت، اما بالاخره آن متنی بود که در اختیار مردم گذاشته شده بود و در ایران منتشر شده بود و حتی بخارج برده شده بود و مراجع روی آن نظر داده اند، حالا بیایم بگوئیم این حرفها درست نبوده. آقای فاتحی گفت، «نظر من هم اینست که همان متن منتشره مبنای قرار گیرد، زیرا هم آقایان و هم مردم نسبت به آن آشنایی بیشتری دارند.» آقای سبحانی گفت: «پیش نویس منتشره از چند مجرای رسمی و تصویب شده، این چیزی بود که به مردم داده شده و گفته شده است که مجلس باین پیش نویس رسیدگی میکند. بنا بر این انتظار جامعه اینست که باین پیش نویس رسیدگی شود.»

ولی در عمل این سخن به کرسی ننشست. در واقع نیز مجلس خبرگان با فاصله گرفتن از متن پیش نویس اولیه، که به بحث عمومی گذاشته شده بود، و خود مجلس خبرگان اصولاً برای بررسی آن و نه چیز دیگری برگزیده شده بود، مشروعیت خود، مقبولیت خود و قانونیت مصوبات خود را متزلزل ساخت. امرایکه توسط گروه نیرومندی هست تا نه فقط گروههای سیاسی، بلکه گروههای مذهبی نیز امکان مساری برای بحث و اظهار نظر نداشته باشند، نویدبخش آینده روشنی نیست. خوف آن هست که تغییراتی که امروز وارد میشود، محدودیتهائی که امروز در نظر گرفته میشود، ضرباتی که امروز بر موازین اساسی آزادی و خواستهای مردم زحمتکش زده میشود، فرادامینه ای برای دوستداران قدرت نمائی و انحصارطلبی و وابستگی به مرکز غارتگری سرمایه داری و وابسته امپریالیستی قرار گیرد.

هواداران راستین و بی گناب انقلاب بقی می پرسند که: آیا فردا دیوار استبداد و آزادی کشی بسر خشتهای مخدوشی که امروز نهاده میشود، بالا نخواهد رفت؟ تمام خوف و تمام نگرانی از اینجا ناشی میشود، زیرا صحبت بر اساسی ترین سند جمهوری اسلامی، بر سر مهم ترین گام در راه ایجاد نهادهای این نظام نو بجای نظام پوسیده سلطنتی سرنگون شده است. این حرف و نگرانی را شخصیتهای مختلفی خاطر نشان ساخته اند که آخرینیشان آقای دکتر بنی صدر است. وی در خود مجلس خبرگان اظهار داشت: «بگذریم که چلو میرویم، ظاهراً در افکار نسل جوان این مسئله تداعی میشود که نوعی استبداد قدم بقدم در قانون اساسی پیش روی میکند. آن پیش نویس متن واضحی بود و شما موری را اضافه کردید که «کش» دارد.

البته مسئله تنها اضافه کردن و کش دار کردن مطلب نیست، بلکه گرایش افراطی صریحی است که با ترویج پیش نویس از موضع انحصار طلبانه و محدود کننده آزادیها، مهر خود را بر متن جدید میکشاند، چرخش آشکار به راست است که ثمرات انقلاب شکوهمند مردم ایران را زیر علامت سؤال قرار میدهد. یک برخورد مشخصی، اگر چه اجمالی، به مواد پیشنهادی در متن پیش نویس و به متن جدیدی که مجلس خبرگان تا کنون تصویب کرده نشان میدهد که نمیتوان ادعا کرد که متن جدید مصوبه درخور انتظاراتی است که از اساسی ترین سند قانونی جمهوری اسلامی ایران می رود، معنی است که شایسته انقلاب بزرگ مردم ایران است.

چند ماده اول، که در حکم اصول کلی است، نمونه ایست از طرز تلقی نادرستی که در زمینه «اسلامی بودن» جمهوری و چگونگی انعکاس این مسئله در قانون اساسی وجود دارد. در واقع مطالب جدید اضافه شده و تغییراتی که وارد شده، بنام «اسلامی کردن» نه فقط مواد متعلق و پیچیده ای را که تقریباً برای اکثریت مردم غیر قابل فهم است، عرضه داشته، بلکه دست به کاری زده است که از نظر بسیاری از ناظران مذهبی و فقها نه فقط نالایم، بلکه ناصواب است و آن اینکه کوشش شده احکام دینی و الهی را، که نه از بیسجیل قانونی ندارند و قدرت و نفوذشان در این نیست که بصورت قانون مدون شده باشند، در مواد مختلف پیاده کنند» و بقول یکی از خبرگان «تنزیل دهند».

در ماده اول پیش نویس نوشته شده بود که حکومت، جمهوری اسلامی است که ملت ایران در پی انقلاب پیروز و زنده خود، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین، بآن رأی مثبت داده است. حالا نه فقط خبرگان لازم دیده اند پس از «ملت ایران»، عبارت «بر اساس اعتقاد دیرینه اش به حکومت حق و عدل قرآن» را اضافه کنند، که البته چیزی بر قدر و منزلت حق و قرآن نمیافزاید، بلکه فکر کرده اند که لابد اگر تاریخ هجری قمری، با عبارت «اول جمادی الاول سال ۱۳۹۹» راهم بآن بیافزایند، «اسلامی تر» خواهد شد. در حالیکه همان تاریخ شمسی ما دارای مبدأ هجرت پیغمبر و بنا بر این اسلامی است و لزومی باین «اصلاح» که تنها در محافل روحانی آنرا میدانند و بکار میبرند، نبود، مگر آنکه تصور شود قانون اساسی نه برای تمام کشور و همه مردم، بلکه برای گروه ویژه روحانی تدوین میشود، که البته چنین نیست.

اصل دوم نیز در همان جهت بکلی تغییر کرده و کوشش شده است که اصول دین اسلام در یک ماده قانون ذکر شود و اضافه بر آن، برداشت کلی از انسان و جامعه نیز در آن قید گردد. واضح است که نینچه جز همان «تنزیل اصول دین»، که اصولاً جایش در قانون اساسی نیست، نمیتوانست باشد. فزون بر همه، در متن پیش نویس و حتی در متن بکلی تازه کمیسیون مجلس خبرگان نوشته شده بود، «جمهوری اسلامی نظامی است توحیدی بر پایه...» ولی همین واژه «توحیدی»، باین عنوان و بهانه که مفهوم جامعه بی طبقه توحیدی را القاء میکند و گویا این مطلب یا گفته کمونیستها درباره جامعه بی طبقه آینده مورد نظرشان قرار گرفته است، مورد بحث مفصل خبرگان قرار گرفت و سرانجام نیز در متن تصویب شده حذف و بجای آن نوشته شد، «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به...» بیچیت نیست که بسیاری اندیشه پردازان اسلامی و معتقدان به مکتب تشیع علوی ناراضائی خود را از این تغییر، که به عقیده آنها اصولی است و حد فاصلی است بین اسلام مترقی راستین با تعبیر کهنه و «صوفی» آن، ابراز داشته اند. بنظر بسیاری، با ذکر خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح باو و وحی الهی و معاد و عدل و امامت و غیره در این ماده، نه اسلام تقویت مییابد و نه قانون اساسی محتوی اسلامی پیدا می کند. نوشتن قانون در روح این یا آن مکتب یک چیز است و خلاصه کردن (و بنا بر این فقیر کردن و زول دادن شالوده های مکتب) احکام و معتقدات مکتب در چند ماده و اصل چیز بکلی دیگری، از عبارات مبهم و کشدار و دو پهلوئی نظیر «اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت مصومین»، آنچه در سندی چون قانون اساسی که باید بعد از اعلام روشن و صریح و غیر قابل تفسیر باشد، نه کسی چیزی میفهمد و نه مسئله ای حل میشود.

در این اصل نه فقط واژه توحیدی را برداشتند و تمام متن را تغییر دادند، بلکه عبارت «بر پایه فرهنگ اصیل و بویا و انقلابی اسلام» را نیز از متن پیش نویس برداشتند. در حالیکه لا اقل این جمله خط فاصلی نمیکشد بین آن اسلام راستینی که نقش انقلابی و پیش برنده و تحول بخش داشت - از علی تا امام خمینی و طالقانی و شریعتی - و آن اسلام دروغین که مهر شرک داشت و ارتجاعی و کهنه گرا و مدافع زور و زور تو زور بود، از معاویه تا وعاظ السلاطین. از زمان بنی امیه گرفته تا صفویه و قاجاریه و پهلوی و امروز.

محتوی ماده ۳، در ماده ۳ «اهداف» نامیده شده و ماده ۳ تازه ای که در پیش نویس قانون اساسی اصلاً وجود نداشت، برای نیل بدانها اضافه شده است. این ماده خود دارای ۱۶ بند است، و به عقیده اغلب کسانی که در این مورد اظهار نظر کرده اند، وسایل نیل به هدف را، برخلاف قصد تدوین کنندگان، نشان نمیدهد، بلکه خود آنها هدفها و آرمانهای تازه ای را مطرح میکند که البته در آن میان نکات مثبت فراوانی وجود دارد، از طرف کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب گرفته تا محور هر گونه خودکامگی و استبداد و انحصار طلبی، از رشد فضائل اخلاقی و مبارزه با فساد گرفته تا آموزش و پرورش رایگان، از تعمیم آزادیهای سیاسی و اجتماعی گرفته تا مشارکت عامه مردم، از پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه و رفع فقر و محرومیت گرفته تا تأمین حقوق همه جانبه افراد زن و مرد و تساوی حقوق در برابر قانون و غیره، با این مطالب، صرف نظر از بحث حقوقی، که آیا اینها وسیله هستند یا هدف، نمیتوان صد درصد موافق نبود، بشرط آنکه در مواد و اصول بعدی متنی که تهیه میشود، مطالب دیگری متناقض با این مطالب وجود نداشت و واقماً هم راهها بر هر گونه خود کامگی و انحصار طلبی، از هر نوع و بهر بهانه ای، بسته میشد و زن و مرد واقماً در جامعه و خانواده، در تمام زمینه های سیاسی و اقتصادی و مدنی و اداری و اجتماعی برابر حقوق شناخته میشدند.

این بحث ادامه دارد

### قطعه نامه کارگران شرکت فسان

ما کارگران شرکت فسان که پس از قیام طبعی گفته دولت و رهبری انقلاب خواهان بازگشت بکار بودیم با مقاصدست کارفرما رو بر سر شدیم. کارفرما همواره در فکر اخراج ما کارگران بوده است. ولی ما کارگران با مبارزه دست جمعی مان، بالاخره درهای شرکت را گشوده و بسر کارمان باز گشتیم، کارفرما دست به توطئه چینی زده، و از هر فرصتی برای عدم اشتغال ما و اخراج نمودن ما استفاده کرده است، ولی تا بحال ما توانسته ایم توطئه های او را نقش بر آب نمائیم تا اینکه ما خواهان پرداخت حداقل دست مزدی که در وزارت کار به تصویب رسیده و بکارگاه بخشنامه شده است شدیم. کارفرما از این فرصت باز هم برای اخراج ما کارگران استفاده نمود، و ما به کلهبه مقامات وزارت کار و کمیته همراجه و خواهان رسیدگی بوضعمان شده ایم ولی جواب قانع کننده ای بنا ندادند، از اینرو ما ناچاریم برای جلوگیری از اخراج و گرفتن افزایش حقوقمان دست به تحصن بزیم و اعلام میمائیم تا وقتی که بخواسته های ما که در ذیل خواهد آمد جواب داده نشود همچنان به تحصن ادامه میدهیم.

۱- کارفرما به هیچ وجه حق اخراج هیچیک از کارگران را نداشته باشد، و همه کارگران را بسر کار بازگرداند و موظف باشد که برای آنها کار تهیه نماید.

۲- کارفرما بایستی طبق بخشنامه وزارت کار حقوق ما را بپردازد، و در صورت افزایش هزینه موظف است متناسب با افزایش هزینه حقوق ما را افزایش دهد.

کارگران شرکت فسان  
۱۳۵۸/۷/۳

شماره اول ۱۳۵۸  
**دنیای**  
نشریه سیاسی و تئوریک  
کمیته مرکزی  
حزب توده ایران  
مستشرق نشد

«مردم»  
ارگان مرکزی  
حزب توده ایران  
نشانی: خیابان ۱۶ آذر،  
شماره ۶۸  
تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹  
چاپ، کاریان

### نطق فیدل کاسترو در کنفرانس کشورهای غیر متعهد...

مایه سرت و خشنودی ماست که احساسات برادرانه خود را نسبت به کشورهای که بتازگی به جنبش کشورهای غیر متعهد پیوسته اند و نخستین بار است در کنفرانس این جنبش حضور مییابند، ابراز داریم. این کشورها ایران و پاکستان هستند که پس از واژگونی رژیم سلطنت در ایران و خروج از پیمان نظامی ارتجاعی و تجاوز کارستو به جنبش ما پیوسته اند.

همچنین سوریه نام، بلژیوم، کشور کوچک و دلیر گرنادا و خلق تسلیم ناپذیر نیکاراگوئه، که آثار مارش تاریخی رزمندگان قبرمان آن، که به میمن ساندینو آزادی بخشیدند و قاره آمریکای مارا پرافتخار و سربلند کردند، هنوز در خاطر ما تازه است.

اتیوپی و افغانستان، با کیفیت انقلابی نوین خود، در جرگه ما هستند و جنبه میمن پرستان زیمبابوه، بعنوان عضو دارای حقوق کامل، در این مجمع حضور دارند، خانواده جنبش ما گسترش مییابد و این گسترش، چنانکه باید، گسترشی است کیفی. کشورهای جدیدی نیز بعنوان ناظر در این کنفرانس حضور دارند، فیلیپین، سنت لوسیا، دومینیکن و کاستاریکا. در این کنفرانس نمایندگان بسیاری بعنوان میهمان شرکت دارند که از آنجمله برای نخستین بار اسپانیا. آخر موفق نشدند این کشور را به پیمان نظامی ناتو جلب کنند. پیوستن اسپانیا به این پیمان تنها می توانست آینده تابناک خلق فداکار اسپانیا را در معرض خطر جدی قرار دهد. خلق اسپانیا با خلقهای آمریکای ما پیوندهای تاریخی و فرهنگی استواری دارد. ما در اروپای صنعتی هم به دوستانی که به عراده امپریالیسم بسته نشده باشند، نیاز داریم.

نمایندگان ۹۴ کشور و جنبش رهایی بخش در کنفرانس ما حضور دارند. کنفرانس ما پر نماینده ترین کنفرانسهایی است که این جنبش تا کنون داشته است و این امر برای کشور ما مایه افتخار و سربلندی است.

تلاشهایی که برای جلوگیری از سرگزاری ششمین کنفرانس جنبش کشورهای غیر متعهد در هاوانا بکار برده شد بیپوده از آب درآمدند. امپریالیستهای آمریکا و دوستان قدیمی و تازه آنان، یعنی دولت چین، کوشش کردند که این کنفرانس در کوبا تشکیل نشود. آنها در تلاشها و اتهامات بیشرمانه خود کار را بجایی رسانیدند که مدعی شدند که کوبا جنبش کشورهای غیر متعهد را به ابزار سیاست شوروی تبدیل میکند. ما اطلاع کامل داریم که ایالات متحده آمریکا سندهایی کنفرانس تدوین شده از جانب کوبا را بدست آورده و از کانالهای دیپلماتیک تلاش فراوان بکاربرد تا این سند را تغییر دهد. در این مورد ما مدارک غیر قابل انکاری در اختیار داریم. سندی را که تهیه کرده بودیم، مدتها پیش از تشکیل کنفرانس برای کشورهای عضو جنبش فرستادیم و با پیشنهادها و ملاحظات فراوانی در جهت بهبود آن، بموقع دریافت کردیم. اما به ایالات متحده آمریکا چه کسی چنین حقی داده است که در امور کشورهای غیر متعهد مداخله کند و تلاش نماید نظریات خود را به آنان دیکته کند؟ یک چنین تمارضی از جانب ارتجاع دربرابر کوبا را چگونه میتوان توجیه کرد؟

کوبا هرگز آن کشوری نیست که در مواضع و روابط خود با امپریالیستها ایهام و تردید از خود نشان داده باشد. کوبا همواره و بطور پیگیر سیاست همبستگی نزدیک با جنبشهای رهایی بخش ملی و با هر اقدام عادلانه خلقها را اجرا کرده است. کوبا همواره بدون تزلزل، قاطعانه، جدی، با صداقت و سربلندی و شجاعت از اصول سیاسی خود دفاع کرده و طی متجاوز از بیست سال موجودیت خود، لحظه ای هم از مبارزه علیه تجاوز و محاصره ای که مقتدرترین کشور امپریالیستی علیه آن اعمال میکند، باز نایستاده است. انگیزه این تجاوز کاری و محاصره آن است که کوبا در سرزمین خود، انقلاب واقعی سیاسی و اجتماعی در فاصله ۹۰ میلی از سواحل این کشور امپریالیستی انجام داده است.

درباره ارزش خلق انقلابی و سیاست قاطعانه کشوری که نمیتوان آنرا خرید، تسلیم و یا تهدید کرد میتوان از روی میزان خصومت و کینه ای که امپریالیستها نسبت به آن دارند، قضاوت کرد. در روابط بین المللی، ما همبستگی خود را نه با گفتار، بلکه با کردار به اثبات رسانده ایم و می رسانییم. در حال حاضر، کارشناسان کوبایی در ۲۸ کشور عضو جنبش غیر متعهد همکاری میکنند. این همکاریها بطور عمده، در زمینه های اقتصادی این کشورها و بلاعوض انجام میگردد. با اینکه خود ما دارای مشکلاتی هستیم، بسیاری از فرزندان شریف و فداکار کوبایی هزاران میل دور از میمن، در جریان کمک و همکاری با جنبشهای رهایی بخش و در راه دفاع از مبارزات عادلانه دیگر خلقها به درجه شهادت رسیده اند. این جانبازها تبلور درخشانی از صداقت، صمیمیت، روح همبستگی و آگاهی انترناسیونالیستی، یعنی آن کیفیاتی است که انقلاب مایه مردم کوبا ارزانی داشته است.

پس چه اتهامی به کوبا وارد است؟ این اتهام که کوبا کشور سوسیالیستی است؟ آری، ما کشور سوسیالیستی هستیم. اما ما سعی نداریم ایدئولوژی و نظام اجتماعی خود را به کسی تحمیل کنیم. نه در داخل جنبش غیر متعهدانه که در خارج از آن. و ما از اینکه سوسیالیستی هستیم یا اینکه در سرزمین خود یک انقلاب بقیه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بنامبت سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

سی و هشت سال نبرد پیگیر در راه بدست آوردن استقلال ملی، آزادی و تامین خواستهای زحمتکشان!

سی و هشت سال از زندگی پرتلاش حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران، گذشته است و سی و نهمین سال این زندگی، با همان تلاش و پیگیری و تزلزل ناپذیری، در شرایط بسیار بغرنج آغاز میگردد. پس از سی سال محرومیت از فعالیت آزاد و تحمل جنایت بارترین ضربات از طرف رژیم وابسته ضد خلقی محمدرضا پهلوی، امسال حزب ما سی و هشتمین سالگرد تأسیس خود را در شرایط پرتلاطم و بغرنج نخستین سال پیروزی انقلاب تاریخی ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی میهن عزیز ما ایران، جشن میگیرد.

حزب ما در مسیر این دوران دراز تاریخی پایتکه در نبردهای نابرابر با دشمن، ناکامیها و شکستهای دردناکی را تحمل کرده، معذالک میتواند با سربلندی کارنامه‌ای پراز ایثار و فداکاری در مبارزه علیه امپریالیسم و استبداد عرضه کند.

حزب ما تنها حزبی است که طی نزدیک به چهل سال از پرتلاطم‌ترین دورانهای تاریخ کشورمان، طوفانها و سیل‌های مہیبی را از سر گذرانده، ولی به برکت راه درستی که در پیش گرفته، بدون تزلزل بر روی بنیادهای اصولی خود، پابرجا و استوار باقیمانده و راه پررنج ولی افتخارآمیز خود را دنبال کرده است.

دشمنان اصلی و واقعی مردم میهن ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، ارتجاع وابسته به آنان، یعنی سرمایه داران بزرگ و وابسته و زمین داران کلان، غارتگران و درراس آنها خاندان تنگین پهلوی، از همان نخستین روز پیدایش حزب ما، آنرا درست شناختند و پی بردند که این حزب پیگیر ترین و روشن بین ترین سازمان سیاسی دشمن آنها و آشتی ناپذیر ترین مدافع منافع ملی و خواستهای توده‌های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا و حقوق ملی همه خلقهای ایران است، که در راه رسیدن به هدفهای خود، یعنی کسب استقلال ملی و آزادی و تامین خواستهای بحق توده‌ها و خلقهای محروم، از هیچ فداکاری فروگذار نخواهد کرد.

درست به علت همین ماهیت و خصلت، حزب ما بیش از هر سازمان سیاسی دیگر مورد کینه محمدرضا پهلوی و رژیم جنایتکارش قرار داشت. محمدرضا پهلوی و پشتیبانان امپریالیستی اش خوب میدانستند که برای درهم شکستن مقاومت همه نیروهای ملی مخالف خود، باید پیش از همه سنگر حزب توده ایران را درهم شکست.

تصادفی نیست که هیئت حاکمه خائن رژیم منحوس سلطنتی محمدرضا پهلوی، در تمام دوران موجودیتش، هر بار خواست به مردم ایران خیانت کند، تدارک این خیانت را با حمله‌ای برای درهم شکستن مقاوم ترین سنگر خلق یعنی حزب توده ایران آغاز میکرد.

درست بر پایه همین اصولیت و پایداری ست که حزب ما همواره مورد کینه گروههای سازشکار و انحصار طلب قرار داشته است، زیرا آنها خوب دریافته‌اند که نیروی افشاکنده حزب ما، نقاب ریا و تزویر و مردم فریبی را از هم میدرد و چهره زشت فریبکاران سیاسی را عریان میسازد. باین ترتیب تصادفی نیست که این گروهها هم حزب ما را نخستین آماج حملات دشمنانه و کینه توزانه خود قرار میدهند و از هیچگونه اتهام و افترای ناجوانمردانه‌ای برای بی اعتبار کردن حیثیت مبارزان توده‌ای، که روشن بینی سیاسی و اراده راسخ برای دفاع از منافع ملی و آزادی و حقوق زحمتکشان، یگانه ثروت آنها در زندگی است فروگذار نمیکنند.

حزب توده ایران افتخار میکند که در تمام دوران موجودیت خود پرچمدار مبارزه علیه فاشیسم هیتلری، علیه امپریالیسم غارتگر انگلیس، علیه امپریالیسم تازه نفس و متجاوز امریکا بوده و در مراحل از این دوران، به تنهایی سنگر مقاومت علیه دشمنان خلق و زحمتکشان میهنمان را نگهداری کرده و این پرچم را در سخت ترین

شرایط افراشته نگه داشته است. مبارزه بی‌امان دشمنان ملی ما، یعنی امپریالیسم و رژیم محمدرضا پهلوی، علیه حزب ما، تنها از راه تهمت و افترا، ضرب و جرح، بازداشت و شکنجه و اعدام نبود. این دشمنان خوب میدانستند - و تجربیات شبیه در کشورهای دیگر جهان و در خود میهن ما به آنها آموخته بود - که با وجود توسل به همه این شیوه‌ها، نمیتوان حزبی را که در درون خلقهای میهن ما، در درون طبقات زحمتکش آن ریشه دارد و از حقوق آنها دفاع میکند، از بین برد و ریشه کن ساخت. از اینرو، آنها از همان آغاز تأسیس حزب ما، بموازات توسل همه جانبه به شیوه‌های یاد شده در بالا، شیوه مودیانه و خرابکارانه متلاشی ساختن حزب از درون رانین، بعنوان یکی از شیوه‌های اساسی مبارزه خود علیه حزب ما، بکار بردند. دشمنان حزب همیشه کوشیده‌اند تا با کمک عناصری که آگاهانه یا بدرون سازمان مافروستاده‌اند و یا با کمک نیمه راهان و وازدگانی که به آمال و آرزوهای خودخواهانه خود نرسیده و نتوانسته بودند حزب را بعنوان فردیان ترقی خود مورد بهره گیری قرار دهند، حزب توده ایران را از درون منفعی سازند.

تاریخ نزدیک به چهل سال زندگی پررنج، ولی پرفراختر حزب ما ثابت کرد که این دشمن زهر آلود دشمن، هر قدر هم ماهرانه بکار برده شود، بریدن روئین تن حزب ما کاری نیست و آنرا از یاد رنی آورد. مبارزه ایدئولوژیک حزب ما علیه انحرافات راست و چپ و در دفاع از ایزد کیزی جهان بینی انقلابی و علمی خود یکی از صفحات درخشان تاریخ حزب توده ایران است. حزب ما پس از هر توطئه، هر خیانت، هر انحراف نیرومندتر از گذشته برپا ایستاد، زخمهارا درمان کرد و بهبود بخشید و راه دشوار خود را ادامه داد.

خدمت تاریخی حزب توده ایران تنها در این نیست که دشمنان ملی ما را به روشن ترین و وحشی به مردم شناساند و آثار ابرای مبارزه علیه این دشمنان تجزیه کرد، بلکه در این هم هست که دوستان واقعی مبارزات ملی و خلقی مردم ایران را نیز شناخت و به مردم شناساند.

یکی از مهمترین افتخارات حزب توده ایران اینست که طی نزدیک به چهل سال به بهترین و عالیترین شکل اصل میهن دوستی راستین را با اصل همبستگی و دوستی با همه خلقهای محروم و مبارز جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع تفریق کرد و این پرچم راحتی یک لحظه هم بر زمین نگذاشت. حزب توده ایران بموازات تلاش خستگی ناپذیر خود برای تجهیز نیروهای ملی و اتحاد و همکاری آنان در نبرد با دشمنان اصلی خود، یعنی امپریالیسم جهانی و فرزندانش نامیونش، صهیونیسم و رژیمهای غارتگر و جنایتکار وابسته به امپریالیسم در ایران و کشورهای استعمارزده دیگر، همواره به مردم ایران آگاهی داد که مبارزه آنها در راه بدست آوردن استقلال ملی، آزادی و زندگی بهتر، با مبارزه همه خلقهای محروم جهان علیه دشمنان مشترک، یعنی امپریالیسم و ارتجاع خودی مبارزه همه زحمتکشان برای برانداختن تسلط غارتگرانه سرمایه داری امپریالیستی، مبارزه همه خلقهای آزاد شده از قید امپریالیسم و استثمار، و در پیشاپیش آنان مبارزه کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی، پیوند ناگسستنی دارد. حزب ما همیشه و بدون تزلزل از این مبارزات، در هر گوشه جهان که بود، بیدریغ پشتیبانی

دنباله نطق رفیق فیدل کاسترو در کنفرانس غیر متعهدها...

من ایمان دارم و بارها این مطلب را بیان کرده‌ام که اگر قدرت و نفوذی که اکنون کشورهای جامعه سوسیالیستی در جهان دارند، وجود نداشت، امپریالیسم که زیر منگنه بحران اقتصادی قرار گرفته و دچار کمبود مواد خام گردیده است، بدون تزلزل به تقسیم مجدد جهان میپرداخت.

امپریالیسم چندین بار به این کار دست زده است. حتی حالا هم به جنگ تهدید میکند و نیروهای ویژه مداخله نظامی تشکیل میدهد، که آماج حمله آنها کشورهای صادرکننده نفت هستند.

ما بر حسب اعتقادات خود ضد امپریالیست، ضد استعمار، ضد نو استعمار، ضد نژادپرستی، ضد صهیونیسم و ضد فاشیسم هستیم. این اصول جزء اصول اندیشه‌ای ما هستند و در واقع این اصول از نخستین روز پیدایش جنبش کشورهای غیر متعهد، منشا و تاریخ آنها تشکیل میدهند. این اصول همچنین با زندگی و تاریخ خلقهای ما به نمایندگی از جانب آنها در اینجا حضور داریم، پیوند ناگسستنی دارند.

رادیو کال انجام داده‌ام، ببینید چه شرمندانه نیستیم آری ما انقلابیون رادیو کالی هستیم. اما قصد نداریم رادیو کالی را خود را بکشوری و بطریق اولی به کشورهای عضو جنبش غیر متعهدها تحویل کنیم. ما با کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی روابط برادرانه داریم.

ما قلیا از اتحاد شوروی سیاستگزاریم، زیرا کمک و همکاریهای سخاوتمندانه آن، به کوبا امکان ادامه حیات داد، امکان داد که در بغرنجترین و دشوارترین دوران زندگی مردم ما، پیروز شویم، دورانی که خطر نابودی ما را تهدید میکرد. ما سیاستگزار انقلاب پرافتخار اکبر هستیم، زیرا این انقلاب در تاریخ بشریت دوران نورینی را گشود، شکست و نابودی فاشیسم را امکان پذیر نمود و جهان شرایطی پدید آورد که، تلم با مبارزات جانبازانه خلقها، موجب تلاشی سیستم منور استعمار گردید. ندیدن این واقعیت بمنزله ندیدن تاریخ است.

کرد و نشان داد که پیروزی آنان بخشی از پیروزی خلق، علیه دشمنان اوست و مبارزه او را آسانتر میسازد.

ما با سربلندی امروز شاهدان هستیم که پیگیری حزب ما در این موضع گیری درست، هر روز بارآورتر می‌شود و بخشهای جدیدی از نیروهای راستین انقلابی ایران، چه از میان آن گردانهای که زیر پرچم اسلام مبارزه میکنند و چه آنهایی که خود را هوادار سوسیالیسم علمی میدانند، گام بگام و هر روز باروشن بینی بیشتری به درستی مشی ما می‌پیوندند.

یکی از مهمترین خدمات حزب ما اینست که همواره و با اعتقادی تزلزل ناپذیر از لزوم تجهیز توده‌های میلیونی برای نبرد علیه امپریالیسم و ارتجاع و اتحاد این توده‌های میلیونی و سازمانهای سیاسی که خود را نماینده و مدافع منافع این توده‌ها میدانند، دفاع کرده و آنها شرط اصلی برای پیروزی دانسته است. حزب ما از همان اولین روزهای موجودیت خود تاکنون، همواره مدافع اتحاد نیروهای ملی در مبارزه علیه دشمن مشترک بوده و بویژه روی لزوم همکاری تاریخی نیروهای که زیر پرچم مبارزه برای استقلال ملی، میکنند با نیروهای که با جهان بینی های دیگر، در راه رسیدن به همین هدفها پادرمیدان نبرد اجتماعی گذارده‌اند. نه تنها برای یک دوران کوتاه مدت، بلکه برای آینده دراز مدت تکیه کرده است.

بر اساس اعتقاد بر همین اصل است که حزب ما از همان آغاز مبارزه نیروهای خلقی، زیر رهبری امام خمینی، بطور پیگیر برای همکاری با این نیروها و همه گردانهای دیگر مبارزان راستین ضد امپریالیسم و رژیم پهلوی تلاش کرده است.

حزب توده ایران اتحاد این نیروهای خلق را نیرومندترین سرچشمه پیروزی علیه دشمنان میدانند و همواره علیرغم همه برخورد های غیردوستانه و ناعادلانه، دست خود را برای این اتحاد دراز کرده است.

انقلاب پیرومند تاریخی مادرستی و ضرورت تاریخی این اتحاد را نشان داده و از هم پاشیدگی که در ماههای اخیر در صفوف نیروهای انقلابی خلق پدیدار شده، خطر ضعف و از بین رفتن این اتحاد را به گویاترین و وحشی در مقابل چشم میهن دوستان گذاشته است. دشمنان سوگند خورده استقلال و آزادی ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیستها و بازماندگان رژیم سرنگون شده محمدرضا پهلوی، با تمام قوا میکوشند بر چشمه یرتوان نیروی جبهه خلق را خشک کنند، گردانهای گوناگون جنبش خلق را بجان هم اندازند، میان آنان تخم ففاق و دشمنی بیفشانند، آتش جنگ برادر کشی را برافروزند، از تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب تاریخی ماجلو گیری کنند، موجبات عدم رضایت توده هارا فراهم کنند و بدینسان زمینه را برای بازپس گرفتن مواضع غارتگری که از دست داده‌اند، آماده سازند.

هموطنان! رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب! حزب توده ایران آغاز سی و نهمین سال تأسیس خود را در شرایط بسیار بغرنج سیاسی جشن میگیرد. این جشن در شرایطی است که از یکسو انقلاب ایران با شرکت وسیعترین اقشار مردم از همه خلقها و از همه طبقات و اقشار ملی به دستاوردهای عظیم و شکست انگیزی ناقل آمده و با این پیروزی تاریخی تحسین و احترام همه مبارزان راه استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی را در سراسر جهان بدست آورده است. مردم میهن ما میتوانند بخود بیالند که با پیروزی در این انقلاب تاریخی و با دستاوردهای خود در همین ۸ ماهی که از پیروزی انقلاب گذشته است، ضربات سنگینی بر پیگیر منفور دشمنان ملی یعنی امپریالیسم و ارتجاع، وارد ساخته‌اند.

ولی از سوی دیگر اکنون شاهدان هستیم که بعلمت ضعف بهم پیوستگی نیروهای انقلابی و دسیسه‌های دشمنان ناپکار، که در تمام سطوح دست بکارند، این دستاوردها مورد تهدید جدی قرار گرفته اند.

نیروهای انحصار طلب راست، با شعارهای مردم فریب و گمراه کننده، ولی در واقع به منظور محدود کردن دستاوردهای انقلاب در چهارچوب منافع طبقاتی و اعتقادات سیاسی - اجتماعی خود از یکسو و نیروهای کم تجربه افراطی چپ، با برخی برخورد های نادرست و غیر واقع بینانه آب به آسیاب ضد انقلاب میریزند و راه را برای پیشرفت آن هموار میسازند.

حزب توده ایران سی و نهمین سال زندگی خود را با دنبال کردن همان راهی که همیشه در پیش داشته، یعنی راه روشن کردن، تجهیز و تشکل توده های زحمتکش، راه اتحاد و همکاری با همه نیروهای راستین ملی و خلقی در مبارزه برای تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب، راه دوستی و بهم پیوستگی همه خلقهای ساکن ایران در چهارچوب دفاع از تمامیت ارضی، استقلال و آزادی ایران، راه بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان میهن ما، راه همکاری و اتحاد با همه سازمانهای سیاسی که به این هدفها وفادار باشند - برای تشکیل «جبهه متحد خلق» - ادامه خواهد داد.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب! سی و هشتمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را از صمیم دل به شما شادباش میگویم و علیرغم همه دشمنی‌ها، تهمت‌ها و افتراها، همراه شما، با سربلندی به تاریخ پررنج، ولی افتخارآمیز حزبمان می‌نگریم و تجدید پیمان میکنیم که حزب ما به آرمانهای خود وفادار خواهد ماند و از هیچ تلاشی برای رسیدن به آمال انسانی، ملی و توده‌ای خود فروگذار نخواهد کرد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

# اسناد حزبی

دردوران توقیف بدون دلیل «مردم»، ازجانب کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعددی بمناسبت رویدادهای گوناگون انتشار یافت. از آنجاکه این اسناد، بعلت محدودیت‌های موجود، در دسترس همه علاقمندان قرار نگرفته است، «مردم» بار دیگر این اسناد را، برحسب تاریخ انتشار، بچاپ میرساند تا همگان از آن اطلاع یابند.

## بوسیله جناب آقای مهندس مهدی بازرگان نخست‌وزیر به هیئت دولت موقت جمهوری اسلامی

آقایان محترم!

بطوریکه مسلماً اطلاع یافته‌اید، روزدوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، از طرف دادستان انقلاب اسلامی تهران، طی اعلامیه‌ای توقیف روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، اعلام گردید. دراستدلال برای توقیف روزنامه مردم آمده است:

«برای جلوگیری از تحریکات سوء و پیش مطالب بی‌بسی از حد، که موجب تشویش اذهان عمومی و توطئه علیه جمهوری اسلامی و خلل در نظم...»

برای ما واقعاً تعجب آور است که به روزنامه مردم چنین اتهامات ناروایی از طرف یک مقام آنقدر مسئولیت‌دار وارد می‌آید. اطمینان داریم که شما آقایان، مانند همه مردم ایران، کاملاً واقفید که حزب توده ایران نزدیک ۳۸ سال است که با تمام نیروی خود، بافداکاری و دادن تلفات بیشمار و تحمل انواع محرومیت‌ها، علیه دشمنان داخلی و خارجی ملت و میهنمان، یعنی امپریالیست‌ها و ارتجاع سیاه‌سلسله پهلوی، و در ۷ ماه اخیر، علیه بازماندگان رژیم و عمال امپریالیسم امریکای صهیونیسم مبارزه کرده است و در این مبارزه حتی لحظه‌ای بازنیستاده است.

در جریان تدارک و انجام انقلاب تاریخی مردم ایران، حزب توده ایران باروشنی و بدون تزلزل، دوش بدوش همه نیروهای ملی و آزادیخواه، که زیر پرچم اسلام به میدان مبارزه گام گذاشته بودند، علیه دشمن مشترک، یعنی رژیم شاه متغور و حاکمان امریکایی-صهیونیستی اش چنگیده و همواره از رهبری قاطع امام خمینی بر جنبش انقلابی ایران پشتیبانی کرده و کوشیده است که نقاب از چهره زشت عمال ضدانقلاب و متناقضین و تفرقه‌اندازان بردارد.

همه بیانیه‌ها، نامه‌های سرگشاده و موضعگیری‌های سیاسی حزب توده ایران، که در ۵۵ شماره روزنامه مردم پس از انقلاب پیروز شدند به من ماه انتشار یافته، گواهی این روش سازنده و همگام با انقلاب ایران هستند.

حتی یکبار هم از طرف مقامات مسئول، یک ایراد، که نشانی از اتهامات-واویده از طرف دادستان انقلاب تهران داشته باشد، وارد نشده است.

حزب ما و روزنامه مردم همواره کوشیده‌اند از هر گونه شایعه‌سازی دوری کنند. و در هیچ جریان و با تظاهرات تحریک آمیز شرکت نکرده و از آن پشتیبانی نکرده‌اند.

حزبانکه مسلماً به استحضارتان رسیده است، روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، دادستانی انقلاب مرکز، روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، را توقیف و پاسداران کمیته مرکزی انقلاب نه تنها محل روزنامه مردم، بلکه مجموعه دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران و مرکز «شرکت سهامی نشریات توده» را همروموم کرده و به این ترتیب امکان فعالیت حزب ما را، که تازه پس از ۳ سال محرومیت، باروشی سازنده و متین، زندگی سیاسی قانونی خود را باز یافته بود، شدیداً محدود ساخته است. اخباری که از شهرستانها میرسد حاکیست

بشورای انقلاب اسلامی ایران، به دولت موقت جمهوری اسلامی، به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران آقایان محترم!

حزب توده ایران در فرزند دوم برای جمهوری اسلامی با موضعگیری مثبت شرکت جست و همواره در راه وحدت نیروهای انقلاب و تقویت رهبری امام خمینی گام برداشته است.

حزب توده ایران همواره هوادار یکپیکر و بدون تزلزل تمامیت ارضی و تمرکز قدرت دولتی در ایران بوده و هست، در عین اینکه معتقد است که در این چهارچوب باید به محرومیت‌های ملی خلق‌های غیر فارس در کشور از راه‌های مسالمت آمیز پایان داده شود، چیزی که برای وحدت ملی ما بسیار ضروری است.

حزب توده ایران عقیده دارد که در مرحله کنونی مبارزه برای ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم و استعمار فارتکرانه و خشن نمودن دسیسه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و بازماندگان رژیم شاه، بازسازی هر چه سریعتر اقتصادی کشور اهمیت درجه اول دارد و باید همه نیروها برای این بازسازی تجهیز گردد.

حزب توده ایران راهنمایی امام خمینی را برای جهاد سازندگی و کمک به محرومین جامعه استقبال کرده و همه نیروی خود را برای شرکت در این جهاد بسیج کرده است.

اینست واقعیات روشن سیاسی حزب ما و روزنامه مردم و برپایه این واقعیات است که ما از تصمیم دادستان انقلاب در حیرت هستیم. ما در بیانیه‌های رسمی خود و همچنین در مذاکرات شفاهی با مسئولین کشور همواره اطمینان داده‌ایم که این موضعگیری اصولی و بسدون تزلزل است.

ما اطمینان داریم که روش متین و سازنده حزب ما و روزنامه مردم مورد تأیید خود هیئت وزیران است.

ما مصرانه از دولت موقت جمهوری اسلامی خواستاریم که همه نفوذ خود را برای رفع سوء تفاهاتی که موجب تصمیم دادستان انقلاب شده است، بکار اندازد و هر چه زودتر به تصمیمات انجام یافته پایان داده شود و به حزب توده ایران امکان داده شود که به فعالیت مثبت و سازنده خود در جریان گسترش انقلاب ادامه دهد.

باتقدیم احترامات کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول - نورالدین کیانوری ۳۰ مردادماه ۱۳۵۸

به شورای انقلاب اسلامی ایران، به دولت موقت جمهوری اسلامی، به کمیته مرکزی انقلاب اسلامی ایران آقایان محترم!

چنانکه مسلماً به استحضارتان رسیده است، روز ۲۹ مرداد ۱۳۵۸، دادستانی انقلاب مرکز، روزنامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، را توقیف و پاسداران کمیته مرکزی انقلاب نه تنها محل روزنامه مردم، بلکه مجموعه دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران و مرکز «شرکت سهامی نشریات توده» را همروموم کرده و به این ترتیب امکان فعالیت حزب ما را، که تازه پس از ۳ سال محرومیت، باروشی سازنده و متین، زندگی سیاسی قانونی خود را باز یافته بود، شدیداً محدود ساخته است. اخباری که از شهرستانها میرسد حاکیست

که، در اکثر شهرهای ایران، یعنی تقریباً در هر جا که مرکز حزب توده ایران و یادفتر انتشار روزنامه مردم و یا دفاتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران وجود داشته است، به وسیله گروه‌های تحریک شده و بدون مسئولیت مورد هجوم و تخریب و در بعضی موارد کتاب‌سوزی و آتش‌سوزی قرار گرفته‌اند و بسیاری از افراد حزب توده ایران هیچگونه امنیت جانی ندارند.

در بوشهر، اسفهان، رشت، تبریز و... این رویدادهای ناگوار و زیان‌های بسیاری به حزب وارد ساخته است. در کرمانشاه این هجوم نتایج وحشتناکی ببار آورده است. دو نفر از افراد حزب توده ایران، که مطلقاً هیچ گونه تماس و همکاری با جریان‌ها موجود در کردستان نداشته‌اند، در منزلشان بازداشت شده و پس از یک ساعت، بدون کوچکترین دلیل، تیرباران شده‌اند. این حکم آنقدر غیر عادلانه بود که حتی بسیاری از مسئولین شهر را، که این افراد را بعنوان عناصر پاکدامن، شریف و مین پرست میشناخته‌اند، دچار حیرت کرده است.

تعجب ما از این جهت است که طی نزدیک به هفت ماه که از انقلاب ایران میگذرد، حزب توده ایران، همواره با باروش متین و واقع بین خود، در جهت سمت گیری انقلاب گام برداشته است. عناصر عمده این سمت گیری، آنطور که از طرف امام خمینی در رهنمودها و وعده‌هایشان برای سیاست جمهوری اسلامی داده شده بود. عبارت بودند از: اتحاد همه نیروها در مبارزه آشتی ناپذیر برای پایان دادن به تسلط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی امپریالیست‌ها و در درجه اول امپریالیسم امریکا و صهیونیسم بین المللی، در مبارزه به خاطر ریشه کن کردن بقایای رژیم متغور سلطنتی، در مبارزه برای تأمین آزادی برای نیروهای گوناگون ملی و میهن پرست، در مبارزه برای برانداختن فارتگری بیرحمانه چهار لنگران وابسته به رژیم شاه و امپریالیست‌ها و بهبود بنیادی شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا، برابری حقوق همه افراد و همه اقوام و اقلیت‌های ملی و مذهبی در چهارچوب ایرانی واحد و مستقل و متحد و آزاد.

تمامی فعالیت حزب توده ایران در نزدیک به ۷ ماهی که از انقلاب گذشته است، شاهدان این واقعت انکار ناپذیر است که حزب ما با یکپیکری و بدون تزلزل و بدون کوچکترین انحراف در این سمت گیری گام برداشته است. بیانیه‌ها، نامه‌های سرگشاده، مقالات روزنامه مردم و سایر نشریات حزب ما شاهد این ادعای ما هستند. حزب توده ایران کوشیده است که با انتقاد سازنده کمبودهای کار اجرایی را نشان دهد. با زیاده‌روی‌های افراطی از چپ و راست مبارزه نماید، قیافه زشت ضد انقلاب و نقاب‌اندازان وابسته به آن را نشان دهد، مردم را از افتادن به دام دسیسه‌های رنکارانک ضد انقلاب بر حذر دارد، در جهاد سازندگی فعالانه شرکت جوید و در چهارچوب طرز اندیشه و جهان بینی خود، راهنمایی‌های امام خمینی را در همه زمینه‌های یاد شده در بالا، در زندگی روزمره پیاده نماید.

به این ترتیب حتی در یک مورد هم نمیتوان به حزب توده ایران ایراد گرفت که از آزادی‌های داده شده، سوء استفاده کرده و یاد در جهت تحریک و تشویش اذهان و تضعیف جمهوری اسلامی عمل کرده است.

تمام فعالیت سیاسی و اجتماعی حزب توده ایران و همه سازمان‌های وابسته به آن، درست در جهت معکوس این اتهامات بوده و هست. حزب ما با تمام نیروی خود تنها و تنها در جهت تهیه و گسترش دستاوردهای انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران مبارزه کرده و میکند و درست به همین جهت است که در تمام دوران تسلط رژیم متغور پهلوی مورد شدیدترین کینه و بغض آن رژیم قرار داشته و درست ۳۰ سال از امکان فعالیت قانونی محروم بوده است.

آقایان محترم!

برپایه همین واقعیات است که ما به خود اجازه نمیدهیم از شما مصرانه بخواهیم به وعده‌هایی که درباره تأمین آزادی اندیشه و فعالیت سیاسی در چهارچوب تثبیت و تقویت جمهوری اسلامی داده‌اید، عمل کنید و به تمییقاتی که نسبت به فعالیت حزب توده ایران معمول می‌گردد، پایان دهید و از روزنامه مردم رفع توقیف به عمل آورید.

آزادی فعالیت سیاسی حزب توده ایران با سیاست انقلابی و سازنده اش مسلماً موجب تحکیم اتحاد نیروهای ملی برای رسیدن به هدف‌هایی است که انقلاب تاریخی میهن ما در برابر خود قرار داده است.

باتقدیم احترامات

کمیته مرکزی حزب توده ایران دبیر اول: نورالدین کیانوری

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت سالگرد ۱۷ شهریور-جمعه خونین هموطنان عزیز!

یک سال از جمعه خونین می‌گذرد. این روز در تاریخ مردم ایران، در تاریخ جنبش انقلابی ایران فراموش نشدنی است. این روز تاریخی چهره‌های گوناگونی دارد. این روز بیانگر جنایت بارترین واکشتن رژیم دهنش پهلوی در برابر خلقی است که با دست خالی برای استقلال و آزادی خود رزمیده. این روز نم‌سودار قهرمانی خلقی است که چون تن واحد برای سرنگون ساختن رژیم دست نشانده پهلوی پیکار کرده. در این روز کشتار جمعی، در این روز شهادت خلقی، مبارزان راه استقلال، آزادی، عدالت، شرافت و ترقی در برابر عاملان وابستگی، اسارت، ظلم، فساد و عقب ماندگی قرار گرفتند. این زور آزمائی بهیای جان هزاران نفر از بهترین فرزندان خلق تمام شد، ولی در همان لحظاتی که پیکر آزادگان در زیر رگبار گلوله اسارتگران درهم میشکست، تاریخ حکم بهروزی خلق و شهیدانش، حکم شکست دشمنان خلق و دشمنانش را صادر کرد. و دیگری نگذشت که انقلاب بزرگ مردم ایران، بر رهبری امام خمینی، بر این حکم صحنه گذاشت. درود بی پایان بر زنان مردانی که خون خود را وثیقه این حکم تاریخی قرار دادند!

هموطنان عزیز!

فرزندان دلیر میهن ما، در جمعه خونین و روزهای نظیر برای آن بجا که خون غلطیدند، همه زنان و مردان میهن پرست و آزاده ما برای آن رزمیدند که میهن ما را از دست دشمنان خائن، ظالم و فاسد پهلوی سرنگون شود، سلطه امپریالیسم، بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع، از میهن ما ریشه کن گردد، دست سرمایه‌داران بزرگ وابسته و مالکان بزرگ از غارت، قوت ملی و نتیجه دسترنج مردم زحمتکش ما کوتاه شود و مردم میهن ما، پس از این همه ظلمی که بر آنها رفته است، از استقلال و آزادی و عدالت و رفاه و ترقی برخوردار گردند. و اینک، در زمانی که سالگرد جمعه خونین را بسر گزار میکنیم، بار دیگر در برابر یکی از احساس ترین، بفرنج ترین و پر مسئولیت ترین لحظات تاریخ خود قرار گرفته‌ایم، زیرا دستاوردهای انقلاب بزرگ ما، خواست مردم قهرمان ما، آرزوی شهیدان جانان ما

بقیه در صفحه ۶

# بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران بمناسبت حوادث اخیر کشور

هم میپنجان گرامی!

باکمال تأسف، شاهد آن هستیم که در هفته‌های اخیر چرخشی در اوضاع سیاسی درون کشور پدیدار شد و با این چرخش ضربه دردناک و هراس‌انگیزی به اسر اتحاد و یگانگی نیروهای ملی و آزادیخواه وارد آمد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در نامه سرگشاده مورخه سوم مردادماه ۱۳۵۸ خود، با تحلیل جریانات سیاسی در حال رشد آن روز، این چرخش را پیش‌بینی کرد و هشدار داد و با احساس مسئولیت تاریخی از همه نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب خواست که در راه جلوگیری از چنین چرخش زیان‌بخشی متحد شوند. با کمال تأسف این ندای حزب ما بی‌پاسخ ماند.

امروز هم ما با جرأت می‌گوئیم که اگر نیروهای وفادار به هدفهای انقلاب موفق نشوند به آن نیروهای ارتجاعی که این وضع را به وجود آورده‌اند، لگام بزنند و روند انقلاب ایران را به راه اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی، که در مبارزه برای رسیدن به هدف‌های ضد امپریالیستی، آزادیخواهانه و مردمی انقلاب استوارند، بازگردانند، کمک بزرگی به کامیابی نقشه‌های خانمان‌برانداز دشمنان انقلاب به عمل آمده است. ما همیشه در همین جهت کوشیده‌ایم، و اگر چنین واقعه‌ای تاکنون تحقق نیافته، علی‌رغم میل ما بوده و مسئولیت آن باکسان نیست که در این راه گام مؤثر برداشته‌اند.

دشمنان انقلاب ایران، یعنی امپریالیست‌ها، و در پیشاپیش آنها امپریالیسم فئودال آمریکا، و صهیونیست‌ها و همدستان ایرانی‌ان‌ها - یعنی بازماندگان رژیم سیاه پهلوی و سرمایه‌داران و زمین‌داران وابسته، که بخشی از امتیازات غارتگرانه خود را از دست داده و بخش دیگرش را در معرض خطر می‌بینند - همیشه تلاششان در این جهت بوده و هست که با ایجاد چنددستگی و اختلاف و برخورد، تا حدی با فروختن جنگ خانگی و تحریک گردان‌های گوناگون جنبش انقلابی به زده و خورد و برادرکشی، جنبش انقلابی میهن ما را تقسیم کرده و از سمت‌گیری اصلیش، یعنی مبارزه علیه دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع داخلی منحرف سازند و اعتبار و حیثیت انقلاب را متزلزل و شرایط را برای بازگشت ضد انقلاب آماده سازند.

ما در نامه سرگشاده نامبرده یادآور شدیم که ضدانقلاب تمام تلاش‌های جنایت‌بار خود را از یکسو زیر پوششی از عوام‌فریبی مذهبی و ازسوی دیگر زیر ماسکی از چپ‌نمائی و سوء استفاده از مسئله حقوق ملی خلق‌ها در ایران متمرکز ساخته است و با برنامه‌ای دقیق می‌کوشد نیروهای ضد امپریالیستی را از این دو سمت به‌جان هم اندازد. متأسفانه باید اذعان کرد که بسیاری از نیروهای وفادار به انقلاب به‌جای تمرکز نیروها در جهت سخت‌گیری اصلی انقلاب، مسائل فرعی را مطرح ساختند.

رویدادهای هفته‌های اخیر نشان می‌دهد که ضدانقلاب در راه رسیدن به هدفهای خائنانه خود به کامیابی بزرگی رسیده و توانسته است جنبش انقلابی میهن ما را با یحرائی جدی و روبرو سازد و به خود مشغول کند.

به هر تقدیر، ما امروز در مقابل این واقعیت هستیم که از یک سو حمله وسیعی از طرف نیروهای انحصار طلب راست برای سرکوب آزادی و در درجه اول آزادی نیروهای راستین انقلابی چپ و حتی بخشی از نیروهای انقلابی که زیر پرچم اسلام مبارزه می‌کنند، آغاز شده و از طرف دیگر کردستان به صحنه‌ای از جنگ داخلی و برادرکشی مبدل گشته‌است.

در آن بخش که مربوط به جلوگیری از انتشار قسمتی از مطبوعات محدود کردن فعالیت عده‌ای از گروه‌های سیاسی است، این‌طور گفته می‌شود که گویا این حمله برای جلوگیری از فعالیت ضدانقلاب است. متأسفانه واقعیت مؤید کامل این ادعا نیست. درست است که درباره بخشی از روزنامه‌های توقیف شده و گروه‌های

سیاسی هوادارشان. دعاوی دادستان تهران صدق می‌کند، ولی در مورد بخش دیگری از این مطبوعات و سازمان‌های سیاسی، از جمله حزب توده ایران و روزنامه مردم و سایر روزنامه‌های وابسته به حزب توده ایران، واقعیت درست در جهت مخالف این دعاوی است. حمله وسیع به سازمان‌های حزب توده ایران در سراسر ایران، توقیف روزنامه مردم، ارگان مرکزی حزب ما، بازداشت، شکنجه و ضرب و جرح دهها و دهها نفر از هواداران حزب توده ایران در قصر شیرین و کرمانشاه و شهرهای دیگر غرب، بازداشت و اعدام بی‌رسیدگی و محاکمه دوتن از هواداران حزب توده ایران که به تصدیق اکثریت مردم کرمانشاه کوچکترین رابطه‌ای با گروه‌های افراطی و جریانات کردستان نداشته‌اند، همه نشان می‌دهد که هدف واقعی نیروهای انحصار طلب راست به هیچ وجه ضدانقلاب، یعنی عمال امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و ارتجاع سیاه رژیم شاه نیست.

حزب توده ایران همواره پی‌گیرترین مبارز علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و ارتجاع سیاه پهلوی بوده است. ما افتخار می‌کنیم که در دوره‌ای طولانی، حزب ما یگانه سنگر مبارزان ضد امپریالیسم آمریکا بوده است. محدود کردن فعالیت چنین حزبی کمکی است در جهت بازگردان راه برقراری مجدد تسلط امپریالیسم آمریکا بر ایران. تاریخ نشان داده است که آغاز تسلط همه جانبه امپریالیسم آمریکا بر کشور ما، از کشتار در آذربایجان و کردستان و غیرقانونی کردن حزب توده ایران آغاز گردید.

در این زمینه ما خواستار آن هستیم که به کلیه تضییقات علیه حزب توده ایران

پایان داده شود، از روزنامه مردم و سایر روزنامه‌های وابسته به حزب توده ایران و مراکز حزب رفع توقیف به عمل آید، به دادستان‌های انقلاب و مسئولین دیگر شهرستان‌ها دستور داده شود که فعالیت حزب توده ایران را مورد حمایت قانونی قرار دهند و از حملات و تجاوزات گروه‌های افراطی و عناصر ساواک و ارتجاع جلوگیری به عمل آورند. ما خواستار اجرای کامل رهنمودهای امام خمینی در اطلاعیه یازده ماده‌ای مورخه ششم شهریور ماه ۱۳۵۸ درباره تأمین آزادی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی هستیم.

بخش دیگر مربوط به کردستان است. به نظر ما مسئله کردستان ایران، مسئله دیروز و امروز نیست. مسئله کردستان ایران یک مسئله بفرنج تاریخی، جغرافیائی و ملی است. حزب توده ایران اولین حزب سیاسی ایران است که پس از سرنگونی دیکتاتوری سیاه رضا خان، پایان دادن به محرومیت‌های ملی خلق‌های غیر فارسی را در ایران، به‌عنوان یکی از گروه‌های مهم سیاست داخلی ایران، مطرح ساخت و یگانه راه عقلانی‌گشودن این‌گره را که واگذاری خودمختاری فرهنگی و اداری در چهارچوب رعایت کامل و بدون خدشه تمامیت ارضی، وحدت ملی و مرکزیت قدرت دولتی است، نشان داد. حزب توده ایران اعتقاد راسخ دارد که خلق کرد در ایران تنها در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل می‌تواند به محرومیت‌های ملی خود پایان بخشد. هرگونه کوشش برای پیداکردن راه حلی خارج از چهارچوب مبارزه عمومی همه مردم ایران برای بدست آوردن استقلال ملی و آزادی و پیشرفت اجتماعی، راهی است خطا، پررنج، پر تلفات و بی‌نتیجه. اکنون دهها سال است که مردم کردستان برای پایان دادن به محرومیت‌های ملی و اجتماعی مبارزه می‌کنند و در این راه تلفات و قربانی‌های فراوان و سنگینی داده‌اند. تجربه همین مبارزات و مبارزات ملی در سایر کشورها به خوبی نشان می‌دهد که از بین رفتن محرومیت‌های ملی خلق‌های محروم در کشوری نظیر ایران تنها در جریان مبارزه برای تأمین استقلال و آزادی برای همه مردم کشور امکان‌پذیر است.

حزب توده ایران بر آن است که خلق‌های محروم ایران تنها از راه هماهنگی با سایر نیروهای ضد امپریالیستی، آزادیخواه و خلقی، تنها از راه تلاش برای ایجاد جبهه متحد نیروهای خلق، از راه مبارزه متحد پیروزمند ضد امپریالیستی و دمکراتیک می‌تواند به محرومیت‌های ملی موجود پایان بخشد.

حزب توده ایران بر آنست که از راه سرکوب و کشتار ممکن است «آرامش» برقرار ساخت، ولی نمیتوان مسئله ملی را نه در کردستان و نه در سایر نقاطی که در آن‌ها محرومیت‌های ملی مطرح است، حل نمود.

حزب توده ایران بر آن است که در حوادث کردستان علاوه بر خواست‌های مشروع خلق کرد برای پایان دادن به محرومیت‌های ملی و عقب‌افتادگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، که محصول رژیم سیاه وابسته به امپریالیسم «شاهنشاهی» است، تحریکات عوامل رنگارنگ امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع نقش مهمی داشته و دارد. این عوامل هم‌اکنون دست اندرکارند که هر لحظه بحران را شدیدتر سازند، با اقدامات تحریک‌آمیز و حادثه‌آفرینی از یک سو و با اشاعه اخبار دروغ و تهبیبی از سوی دیگر بروخامت اوضاع بیفزایند، راه‌های مسالمت‌آمیز را غیرممکن سازند، آب را گل‌آلود کنند و خود از آب گل‌آلود ماهی بگیرند. باید این نقشه شیطانی عوامل ضدانقلاب را، در زیر هر ماسکی که عمل می‌کند، به دقت دیده و خنثی ساخت. وظیفه تاریخی رهبر انقلاب و همه نیروهای راستین هوادار انقلاب است که بین این دو جریان خط فاصل دقیق بکشند و این دو جریان را که یکی خلقی، مشروع و به‌حق است و دیگری خصمانه، ضدانقلابی و جنایت‌بار، از هم جدا سازند و در مورد هر کدام روش سیاسی جداگانه‌ای برگزینند. این است موضع‌گیری اصولی ما. بر پایه همین موضع‌گیری اصولی حزب توده ایران با توجه به اهمیت موضوع، ضمن ابراز آمادگی در بکار بردن تمام کوشش و امکانات خود برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان، پیشنهاد می‌کند:

۱- بی‌درنگ و همزمان، به عملیات نظامی از دو طرف پایان داده شود و آتش‌بس اعلام گردد؛

۲- محاکمه و صدور رای در دادگاه‌های انقلاب کردستان متوقف گردد؛

۳- مذاکرات به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی برای رسیدن به هدفهای مبرم زیر آغاز شود:

الف - تأمین خواست‌های به‌حق و مشروع مردم کردستان در زمینه پایان دادن به محرومیت‌های ملی.

ب - تأمین اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی برای ریشه‌کن ساختن و نابودکردن عوامل امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع و رژیم پهلوی در منطقه کردستان و سراسر ایران.

به نظر حزب توده ایران این یگانه راهی است که به تحکیم، تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ایران کمک مؤثر می‌رساند و آن را به سمت‌گیری اصلی خود، یعنی سمت‌گیری علیه امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، و صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده - یعنی همان سمت‌گیری که امام خمینی چه پیش از پیروزی و چه پس از آن همواره بر آن تکیه کرده‌اند - بازمی‌گرداند و شرایط لازم را برای اتحاد همه نیروها، اتحادی که اما خمینی همیشه به‌عنوان شرط عمده برای پیروزی قطعی انقلاب یادآور شده‌اند، فراهم می‌سازد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۶ شهریور ۱۳۵۸

# اطلاعیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت درگذشت نابهنگام آیت الله العظمی سید محمود طالقانی

## توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمینان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمینان به صحت اخبارهم، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسؤلیت خطیر خود را در این زمینه بخوبی درک می کنند، امکان دیگری ندارد.

ولی متأسفانه تاکنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای مسئول و در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نا دقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری بسیار آورد و نیز به نفوذ و اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند. با سپاس «مردم»

می دارم و انتظار دارم که اگر اشتباه در فهم و نقد پیش آید هدایتم کنند. ویس از ابراز نظر، اضافه می کرد:

«جواب روشن محققین جهان بینی مارکسیسم را انتظار داریم.» چنین بود بزرگواری و سعه صدر دانشمندی که به عقاید خویش و صداقت بیانش اعتماد داشت.

یکی از برجسته ترین خصوصیات آیت الله طالقانی، که محبت و احترام عمیق همه مبارزین راستین انقلابی را برمی انگیزد، اعتقاد عمیق او به ضرورت اتحاد نیروهای انقلابی بود. او نه در حرف، بلکه در عمل تمام نیروی شگرف خود را علیه تفرقه اندازان، از هر طرف که باشند، چه چپ نماهای خرابکار چه راست گرایان افراطی، به کار می برد و با اشاره به وصیت علی بن ابی طالب می گفت:

«مردم نادان این قدر سر به سر هم نگذارید. تقیث عقاید نکنید. کسی که به شما اسلام سلام می کند، نگویید مسلمان نیست ... کاری نکنید که آگاهانه و یا نا آگاهانه از دین اسلام عزیز، اسلامی که همه را از شرکت دریلیدی نجات می دهد، برای ماخرده گیری کنند. گروهی که به نام دین به جوامع و اجتماعات حمله می کنند، آنهایی که کتابها را آتش می زنند ... یا مسلمان های نا آگاهند و یا آلت دست.»

طالقانی تأکید می کرد:

آیت الله العظمی سید محمود طالقانی، دانشمند بزرگ، مجاهد نستوه، رئیس شورای انقلاب از میان مارت و جامعه ما را در غمی بزرگ فرو برد. تاریخ ایران چنین سوگواری عظیم و پردردی را بیاد ندارد. در تاریخ جهان نیز چنین سوگ بزرگ و عمیقی کم نظیر است.

علت این همه محبت مردم به آیت الله طالقانی چیست؟ پاسخ این پرسش را باید در عقاید و اندیشه های روشن طالقانی و در صداقت و بی گیری او در جهاد بخاطر معتقداتش جست و جو کرد. او تمام عمر در راه مردم، علیه هر گونه استبداد و استعمار رژیم، او اهمیت واقعی اتحاد نیروهای انقلابی را زیر رهبری امام خمینی درک کرد و با تمام قوا کوشید تا این نیروها را بهم نزدیک سازد، پلی میان آنها ببندد، حلقه رابط و تحکیم کننده اتحاد نیروها باشد.

آیت الله طالقانی یکی از روشن بین ترین رهبران انقلاب کنونی ایران بود که معنای انقلاب را با عمق تمام درک کرده، حاضر نبود خود را با کلیات دل خوش کند. اومی گفت:

همه می گوئیم انقلاب اسلامی. بپرسید هدف چیست؟ هنوز مشخص نشده است... برنامه علی برنامه قبل از انقلاب مدینه بود. نه مثل ماسلمان ها که اول انقلاب کردیم و حالا می نشینیم که برنامه معین کنیم.»

«اهداف احزاب و جمعیتها چیست؟ چرا باید مقابل هم قرار گیریم. این مقابله ها و موضع گیری ها، هر چند با حسن نیت باشد، پشت سر آن دست استعمار است... اسلامی که ما می شناسیم اسلامی که از قرآن و سنت پیغمبر سرچشمه گرفته، هیچ گونه آزادی را محدود نمی کند.»

خود آیت الله طالقانی از کسانی نیست که ندانند هدف انقلاب چیست. او برنامه انقلاب اسلامی را از قبل برای خود روشن ساخته و سالها با بی گیری آنرا دنبال کرده بود. او خواستار استقرار جامعه عدل و قسط بود. اومی خواست که:

«نظامات فاسد و فاصله ها فرویزد... ترکیب اجتماعی جدیدی به وجود آید، یعنی اجتماعی انقلابی، اجتماعی پیش رو...»

برای طالقانی همه این مفاهیم معنای دقیق و روشن اجتماعی داشت. او درباره تاریخ تکامل جامعه بشری می گفت:

«سر رشته پول که به دست طبقه های می آید، سر رشته های سرمایه انسانی و طبیعی و حکومت هم به دنبال آن به دست همین طبقه قرار می گیرد... وحدت و یگانگی اجتماعی مبدل به تفرقه و اختلاف و طبقات متضاد می گردد. طبقه محروم و بی نوا در برابر طبقه مالک و متصرف در اموال و نفوس، که حکومت را در دست دارند، صاف بندی می کنند.»

طالقانی این «صاف بندی» طبقاتی و قیام مردم محروم را تأیید می کرد و حتی قیام مانی و مزدک را می ستود. در نظر او همه قیام های طبقات محروم و ملل ستم دیده در هر نقطه جهان و صرف نظر از این که زیر چه پرچمی باشد، اسلامی است:

«در انقلاب علیه ظلم و استبداد و علیه استثمار، در هر جای دنیا که باشد، همیشه در نظر ما یک انقلاب اسلامی است.»

در این انقلاب اسلامی که به گفته طالقانی موافق برنامه علی بن ابی طالب است:

اعضاء و رهبران حزب توده ایران، که سالها در زندان های رژیم منقور پهلوی با آیت الله طالقانی همجنس بوده اند، همواره به این خصوصیت پاک و انقلابی وی ارجح می گذاشتند. آنان از علاقه صمیمانه آیت الله طالقانی به اتحاد همه نیروهای انقلابی و احترام از تفرقه، که «شرک است»، خاطرات روشنی دارند.

آیت الله طالقانی فقط به داخل کشور نظر نداشت، او قبل از هر چیز، اهمیت نفوذ فلاکت بار امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، را درک می کرد. تمام عمر پویار او ملامت از نبرد علیه امپریالیسم است. طالقانی به روشنی تمام درک و اعلام می کرد که:

«سرنوشت مردم ایران همان سرنوشت مردم کوبا، سرنوشت مردم فلسطین و سرنوشت همه کشورهای اسلامی است... آنچه نگرانی ایجاد می کند مربوط به عقده های چرکینی است که امپریالیسم به نام اسرائیل و صهیونیسم و آفریقای جنوبی در مناطق حساس جهان، مستقر کرده است.»

«خود خواهانی که برگردند مردم سوارند باید به زیر کشیده شوند، مستکبرین خود خواه و سرمایه داران غارتگر باید دنبال کارشان بروند، گرچه طلحه و زبیر باشند.»

در ترکیب جدید اجتماعی، جایی برای این سرمایه داران غارتگر و ملاکین و مستکبرین نیست. آیت الله طالقانی از «قدرت کارگری» که در دل دستگاه صنعتی نطفه می بند و به یک قدرت فعال بدل می شود سخن می گفت. در جامعه اسلامی مورد نظر آیت الله طالقانی قدرت باید در دست مردم باشد، مردمی که در شوراها متشکل می شوند:

«مسئله شوراها یکی از اساسی ترین مسائل اسلامی است... بگذارید مردم مسؤلیت پیدا کنند. این مردم هستند که کشته داده اند. جامعه مورد نظر آیت الله طالقانی جامعه ای است آزاد، که در آن جایی برای هیچ نوع استبداد و خفقان نیست. او با احساس درد به یاد می آورد که:

«ادیان پس از انحراف از اعتنا دعوت داعیان به حق و دور شدن از سرچشمه تعالیم پیغمبران به حق، وسیله ای برای ستمگری و ظلم و حق کشی شده اند.»

او هشدار می داد که حساب این تعالیم را از سوز استفاده کنندگان جدا کنیم و مراقب باشیم که امروز یک بار دیگر چنین نشود:

«اگر برنامه علی در انقلاب اسلامی ما پیش نرود، باید به طور یقین بدانید که به جای اول بر خواهیم گشت.»

طالقانی می گفت:

«اسلام دین سعه صدر و بینش وسیع است. کتاب ما برای همه بشر است.»

طالقانی می خواست که جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی ضد امپریالیستی داشته و حامی همه جنبش های رهایی بخش باشد. او صادقانه هوادار صلح بود و جنگ را جز در مقام دفاع در برابر تجاوز امپریالیستی جایز نمی شمرد:

«مملکت ما کشور علی است... تمام جنگ های علی دفاع بود. آیا این نباید سرمشق برای ما مسلمان ها باشد که به کسی تهاجم نکنیم.»

با کمال تأسف و تأثر آیت الله طالقانی دیگر در میان ما نیست. او در یکی از حساس ترین روزها و لحظات انقلاب ایران با چشمی نگران ما را ترک گفت. ما این ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر را به همه مردم ایران و به رهبر انقلاب، امام خمینی، و به بازماندگان قید سعید صمیمانه تسلیت می گوئیم. در شب قدر، که آن قدر برای عزیز بود، طالقانی از شدت هیجان و با احساس خطر نزدیک فریاد برآورد:

«می خواستم گریه کنم، همان ملتی که آن یگانگی و وحدت و شوری را که داشت، بتدریج تبدیل به خصومت، جبهه گیری و عداوت می کند.»

اینک که این بزرگ مرد صدیق و روشن بین انقلاب ایران را از دست داده ایم، بکوشیم تا یگانگی و وحدت را به صفوف خود برگردانیم و از جبهه گیری و عداوت بپرهیزیم. ما بارها تصریح کرده ایم که رکن اصلی مشی انقلابی حزب توده ایران، تحکیم صفوف نیروهای انقلابی در برابر خطر ضد انقلاب و تحریکات و توطئه های امپریالیسم، صهیونیسم و عمال آن هاست. ما بارها تصریح کرده ایم و باز هم تصریح می کنیم که پیشنهاد تشکیل جبهه متحد خلق، که حزب ما مطرح می کند، خصلت زود گذر تاکتیکی ندارد. میان نظریات ما و نظریات رهبرانی چون طالقانی وجوه مشترک فراوانی موجود است که امکان همکاری عملی و صادقانه را برای حفظ، تحکیم و گسترش انقلاب فراهم می کند.

ما از جانب خود با تمام قوا در این راه می کوشیم و یک باردیگر دست اعتماد خود را به سوی تمام نیروهای صدیق انقلابی، به سوی تمام پیروان آیت الله طالقانی و به سوی کسانی که به رهبری قاطع امام خمینی در نبرد برضد امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی و برای استقلال و آزادی و عدالت در میهن ما معتقدند، دراز می کنیم. بیایید روی آنچه که میان ما مشترک است، تکیه کنیم و صفوف خود را در برابر توطئه های امپریالیسم و برای دفاع از انقلاب ایران متحد سازیم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۴۰ شهریور ماه ۱۳۵۸

دین نظرهای انتقادی خود را (درباره اقتصاد مارکسیستی) عرضه

## کارگران شرکت ساختمانی پودونک حقوق و مزایای خود را میخواهند

شرکت ساختمانی پودونک در نزدیکی پل فسا واقع است. حدود ۸۰ نفر از کارگران این شرکت، که اکثر آنرا بین ۱۸ تا ۳ سال سابقه کار دارند، خواهان دریافت مزایا و حقوق خود هستند. این شرکت، بنا بر گفته یکی از کارگران، به صاحب دیوانی تعلق داشته است، که از ایران فرار کرده و یکی از نزدیکان شاه سابق بوده است. شرکت مزبور ۹ ماه است که تعطیل و در حال حاضر در تصرف دولت است.

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد ۱۷ شهریور جمعه خونین

بقیه از صفحه ۴

ما، در معرض خطر عظیمی قرار گرفته است.

رژیم سرنکون شده و ملی نابود نشده، امپریالیسم ضربت دیده ولی از پای در نیامده و با تمام نیروی امریمنی خود و با تمام وسائل و امکاناتی که با کمال تأسف هنوز با اندازه کافی در اختیار دارند می کوشند آن تن واحدی را، که درست بعلمت وحدت خود حمله آفرید و دشمن قدرتمند را بزانو در آورد، پاره پاره کنند، صفوف متحد خلق را از هم جدا سازند، نیروهای انقلابی را بجان هم اندازند، و بر این زمینه، که چیزی جز تضییع جنبش انقلابی مردم ایران را بدنبال ندارد، آب رفته را بجوی باز گردانند. از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم آمریکا، این دشمن اصلی و واقعی مردم ایران، پیش کشاندن خطر واهی کمونیسم، برافروختن جنگ برادر کشی در کردستان و عواقب دردناک آن، هجوم به آزادیهای دموکراتیک، متهم ساختن و زیر ضربه قراردادن نیروها و سازمانهای اصیل انقلابی و ضد امپریالیستی - از جمله حزب توده ایران - توطئه، تحریک، اخلاص و خرابکاری در تمام شئون اجتماعی بنظر فلج کردن، بدنام کردن و منحرف ساختن انقلاب، مکمل این نقشه امریمنی است.

هموطنان عزیز!  
در سالگرد جمعه خونین، در تجلیل از خاطره تابناک شهیدان،

صف متحد و ندای استقلال طلبانه و آزادیخواهانه آنان را بیاد آوریم و با تمام نیروی خود بکوشیم که نقشه امریمنی امپریالیسم آمریکا، صهیونیسم و بازماندگان رژیم پهلوی را در تفرقه افکنی بین نیروهای انقلابی، در زیر سایه گذاشتن دستاوردهای انقلاب خنثی سازیم. باخواست تشکیل جبهه متحد خلق برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، برای ریشه کن ساختن سلطه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و بنا بر ساختن بقایای رژیم پهلوی، برای تأمین و تضمین استقلال ملی و آزادیها و حقوق دموکراتیک، برای نوسازی اقتصاد ملی در جهت تحکیم استقلال اقتصادی و بهبود زندگی زحمت کشان، برای تأمین و تضمین حقوق ملی خلقهای ایران در چارچوب ایران واحد و حفظ تمامیت ارضی کشور - یعنی همان خواستهایی که از جانب امام خمینی بعنوان محتوای جمهوری اسلامی ایران اعلام شده است - در مراسمی که به مناسبت یادبود ۱۷ شهریور - جمعه خونین - بر گزار می شود، شرکت کنیم

جاودان باد خاطره تابناک شهیدان ۱۷ شهریور!

برقرار باد جبهه متحد خلق در دفاع از دستاوردهای انقلاب بزرگ مردم ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران  
۱۵ شهریور ماه ۱۳۵۸

# دولت موقت در مبارزه میان مالکان و دهقانان باید حامی دهقانان باشد نه مالکان

دروستای «دهعباس»، یکی از روستاهای سنتی کلیائی (از استان کرمانشاهان)، بین دهقانان و مالک آنجا درگیری پیش آمده بود. اختلاف بر سر این بود که دهقانان خواستار بازگرداندن زمینهای بودند که در زمان رژیم منور شاه بعنوان «چهاریک» از آنها گرفته شده و به مالک داده شده بود. دهقانان همچنین خواستار تخصیص محصول امسال این زمینها به کسانی بودند که روی این زمینها کار کرده و برای بارآوری محصول آن زحمت کشیده‌اند. برای حل این اختلاف، از سنتر تعدادی افراد کمیته به «ده عباس» آمدند ولی متأسفانه بجای جانبداری از دهقانان در برابر مالک و کوشش برای حل اختلاف بسود زارعین، که وظیفه اصلی کمیته‌های انقلاب است، به‌خواست برحق دهقانان توجهی نکردند و این امر کشمکش‌هایی را موجب گردید.

دهقانان روستای «دهعباس» و روستاهای اطراف آن خواستار آن هستند که دولت تقاضاهای مشروع آنان را بر آورد و حقوق از دست رفته آنها را به آنها بازگرداند. دهقانان بحق از دولتی که بر اثر سرنگونی رژیم منور و ضد مردمی پهلوی بر سر کار آمده، توقع دارند که در مبارزه‌های حق طلبانه میان آنها و مالکان، جانبدار آنان باشند.

مسئله زمین یکی از عمده‌ترین مسائل غرب کشور است. باید هر چه قاطعتر و سریعتر باین مسئله برای یافتن راه حل نهائی آن توجه شود. این راه حل تنها یکی است: واگذاری زمین بخود دهقانان و کوتاه کردن دست مالکان. کمیته‌های محل هنگامی شایسته نام انقلابی خواهند بود که از دهقانان زحمتکش دفاع کنند جلو زورگویی مالک را بگیرند و از حق مسلم و بی‌چون و چرای دهقانان به داشتن زمینی که روی آن کار میکنند و محصولی که ثمره کار خودشان است، پاسداری کنند.

## رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، را با استفاده از تمام امکانات، بوسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میرم انقلابی است.

## «مردم» روزانه شد

هموطنان! رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

با آغاز سی و نهمین سال تاسیس حزب توده ایران، روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب، بقیر از روزهای تعطیل، روزانه منتشر میشود. انتظار داریم که با کمک معنوی و مادی به «مردم» و بویژه بخش هر چه وسیعتر آن، به انجام وظایف خطیری که «مردم» در پیشبرد مشی حزب و در دفاع از انقلاب بزرگ مردم ایران برعهده دارد، یاری رسانید.

## «مردم»

## اتحاد شوروی بامداخله هر کشور خارجی در امور داخلی ایران مخالف است

مجموعه سخنان لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست و صدر هیئت رئیسه شوروی عالی اتحاد شوروی درباره انقلاب ایران و سیاست خارجی دولت شوروی نسبت به ایران نوین و انقلابی درجمله هفتم مجموعه آثار رهبر شوروی انتشار یافت.

لئونید برژنف گفته است: اتحاد شوروی با قاطعیت تمام اعلام میکند که بامداخله هر کشور بیگانه در امور داخلی ایران، بهر شکل و بهر بهانه‌ای که باشد، مخالف است. در این کشور حوادث صرفاً داخلی روی میدهد و مسائل مربوط باین وضع باید توسط خود ایرانیان حل شود. همه کشورها باید حق حاکمیت و استقلال ایران و ملت ایران را محترم بشمارند.

درجمله هفتم مجموعه آثار برژنف آمده است: فقط دشمنان ترقی مایل نیستند که ریشه‌های ملی این دگرگونیها را ببینند. هنگامیکه رژیمهای پوسیده گوش بفرمان آنها از پایست فرو میریزند، آنها هر کس و هر چیزی، یعنی هم کشورهای سوسیالیستی، هم تشنج زدائی و حتی عقاید مذهبی را مقصر و مسبب این جریان میشمارند. حال آنکه در واقع اگر نیروهای خارجی مقصر این امر باشند، باید همانا امپریالیسم و همدستان آنها نام برده شوند. این همان نیروهائی هستند که با تمام قوا میکوشند رژیمهای ضد مردمی و خونخوار و مستکرم را حفظ کنند. همین نیروها در امور داخل، دیگر کشورها مداخله میکنند.

لئونید برژنف پیروزی انقلاب ایران را مورد توجه خاص قرار داده و آنرا انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی و رهاییبخش ملی توصیف کرده و خط مشی کلی سیاست خارجی شوروی را نسبت به ایران نوین مشخص میسازد.

وی تأکید کرده است: ما هم مانند دیگر طرفداران واقعی صلح، ترقی و استقلال ملت‌ها، پیروزی این انقلاب را شادباش میگوئیم، زیرا این انقلاب رژیم مستبد و ظالم، رژیمی را که بر اثر سیاست آن، کشور مورد استثمار قرار گرفته و بصورت تکیه‌گاه امپریالیسم خارجی درآمده بود، سرنگون ساخت.

ما موفقیت و پیشرفت و شکوفایی ایران نوین انقلابی را آرزو مندیم و امیدواریم مناسبات حسن همجواری موجود میان ملل اتحاد شوروی و ایران در شرایط تازه و بر اساس استواری تحکیم و گسترش یابد.

(نقل از روزنامه کیهان مورخ ۸ مهرماه ۱۳۵۸)

## مجمع عمومی سازمان ملل متحد اجلاس سالانه خود را آغاز کرد

هفتم مهرماه، مباحثات پیرامون مسائل سیاسی عمومی در این مجمع آغاز گردید. در هفته گذشته برنامه کار ۱۲۵ ماده‌ای که در این اجلاس مجمع عمومی مورد بحث و بررسی قرار میگردد، بتصویب رسید. مسائل مهمی که با سرنوشت همه خلقتهای جهان ارتباط دارند، یعنی مسئله مربوط به جلوگیری از جنگ هسته‌ای، مهار کردن مسابقه تسلیحاتی، تقویت مبانی صلح و امنیت جهانی - و بنابه پیشنهاد دولت اتحاد شوروی - عقد پیمان منع کامل و همه جانبه آزمایشهای سلاحهای هسته‌ای، عهدنامه بین‌المللی برای تضمین امنیت کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای و مصونیت آنان از تجاوز هسته‌ای، منع برنامه ریزی و تولید جنگ‌افزارهای جدید کشتار جمعی، پایان بخشیدن به بقایای استعمار و نژادپرستی، از جمله مسائل مهمی هستند که در برنامه کار اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد جای دارند.

در اجلاس مجمع عمومی مسایل مربوط به اوضاع قبرس، بحران خاورمیانه و پشتیبانی از مبارزه خلق عرب فلسطین بخاطر تحقق حقوق ملی این خلق مورد بحث و بررسی نمایندگان قرار خواهد گرفت.

## کوشش‌های دولت دمکراتیک افغانستان در راه ریشه کن کردن پیسواپی

اکنون در روستاها و شهرهای افغانستان بنای ۶۷۰ آموزشگاه جدید در دست ساختمان است. طی دورانی که از انقلاب دمکراتیک در این کشور میگذرد، از جانب وزارت آموزش و پرورش جمهوری دمکراتیک افغانستان، متجاوز از نصد میلیون افغانی برای رفع نیازمندیهای آموزشی بمصرف رسیده است.

## رهبر سپاه پوستان آمریکا سیاست تجاوزگرانه اسرائیل را محکوم میکند

جوزف لورینگ، یکی از رهبران سپاه پوستان آمریکا، که در راس هیئتی به خاورمیانه مسافرت کرده است، عملیات تجاوزگرانه اسرائیل نسبت به خلقهای عرب را محکوم کرد. لورینگ خواستار برقراری تماس با سازمان آزادیبخش فلسطین شد. وی گفت که در این مسافرت، طبق شواهد زنده، یقین حاصل کرده است که اسرائیل با سلاحهای آمریکائی آماجهای غیرنظامی در لبنان را ویران میکند و در راه نابودی رزمندگان فلسطین میکوشد.

## همکاریهای اقتصادی جامعه کشورهای سوسیالیستی

سخنگوی دبیرخانه شورای هیئاری اقتصادی کشور های سوسیالیستی اعلام کرد که کشورهای عضو این سازمان اقتصادی بین‌المللی قصد دارند میزان تولید نیروی برق را طی ده سال آینده دو برابر افزایش دهند. طی دهه اخیر میزان تولید برق در این کشورها به صد میلیارد کیلووات ساعت افزایش یافته، در حالیکه در کشورهای عضو بازار مشترک در این دوره میزان تولید نیروی برق ۳۰ میلیارد کیلووات ساعت بوده است.

لیخند رفیقانه‌ای بر چهره‌اش نشست.

\*\*\*

ع.ج. که «بدلیل خصلت ضد امپریالیستی مشی حزب ما، تصمیم به آغاز یک همکاری صمیمانه با ما» گرفته است، ضمن یک نامه، از توطئه‌هایی که مدتیست ضد انقلاب و نیروهای سازشکار بر علیه انقلاب ماتدارک دیده‌اند و به انعاء مختلف چهره کثیف و خود فروخته خانی چون بختیار را تطهیر میکنند، پرده برداشته است. در این زمینه ما در «مردم» بسیار سخن گفته‌ایم و افشاگریهای اخیر نیز که از جانب مقامات مسئول صورت گرفته حقایق بیشتری را در این جهت مطرح ساخته است، ولی آنچه در نوشته دوست ماونیز در افشای وقایعی که در جریان روی کار آمدن بختیار رخ داد، جلب توجه میکند، کوشش خستکی ناپذیر برخی از «همرزمان» (و ظاهراً مخالفان) بختیار برای تحقق نقشه شوم امپریالیسم و نیز تاسف خوری از شکست چنین توطئه‌ای است. یکی از این آقایان، طبق افشاگریهای مقامات مسئول، در زمان روی کار آمدن بختیار از هیچگونه «فداکاری» دریغ نمیکرد، و دیگری، طبق نوشته دوست ما، در مصاحبه با مجله امید ایران (وبقول دوست ما «داید آمریکا») «شجاعت و شهامت، وی را در تصمیم‌گیری بی‌حد و حساب ستوده و از اینکه «کشور ما مردی مثل او را از دست داده (!) تاسف میخورد». باید افزود که این رویه «همرزمان بختیار» نه امری بیسابقه است و نه تعجب انگیز. برخی از اینان چه در دوران مصدق و چه در دوران انقلاب اخیر مانا بیگیری خود را در مبارزه با امپریالیسم و دل بستگی خود را به حفظ دربار و شاه و نیز دشمنی و ستیزه جوئی خود را بانبروهای راستین ضد امپریالیست همچون حزب توده ایران بکرات نشان داده‌اند. بهنگام حکومت دولت دکتر مصدق هم اینان بودند که بجای مبارزه با دربار و امپریالیسم آمریکا، حمله به حزب توده ایران را، که غیرقانونی بود، در سرلوحه شعارها و اعمال خود قرار دادند و پس از آنکه تاج و تخت سلطنت با توطئه امپریالیسم و «بیطرفی» اینان ابقا گردید، هم آوا با «خدایگان اعلی حضرت ارواحنا فدای» توده‌ایها «خانی» به منافع مردم خواندند. در طول این ۲۵ سال مبارزه، که هیچگاه زندانها و شکنجه‌گاههای رژیم شاه از توده‌ایها خالی نبود، «سجده بر خاکهای مبارک ملوکانه» بردند و تنها زمانی که غرض رعد آسای انقلاب بساط تاج و تخت را به برچیدن تهدید کرد، به این اندیشه افتادند که «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» و سرانجام نیز زمانی به دور شدن «ظل‌الله» از سر خود رضا دادند که «اعلی حضرت قدر قدرت قوی شوکت» را ملت از کشور بیرون رانده و در تدارک ایجاد حکومت مودنظر خود بود. پس از انقلاب نیز این آقایان به انعاء مختلف در امر گسترش انقلاب کار شکنی میکنند، «مشروطه بدون شاه» طلب میکنند، «قوانین گذشته را تاوقتی لغو نشده به قوت خود باقی» میدانند، راه خلاصی مملکت را از بحران کنونی، دعوت غارتگران فراری به کشور میدانند، در سخنرانی‌های خود از امپریالیسم آمریکا که باعث نابودی اقتصاد و کشور ماست، اصولاً اسمی نمیبندند، «بررسی» قراردادهای خانمان بر انداز و غارتگرانه با امپریالیسم آمریکا را آنقدر بطول میکشاند تا شاید آنها را برای بار دیگر ابقا کنند و حتی یک لحظه نیز از دشنامگویی، بهتان‌زنی به حزب توده ایران که، ۳۸ سال پیگیرانه علیه امپریالیسم رزمیده است، فروگذار نمیکند. و برآستی اینان چرا بنام «شهامت» بختیار را بستایند که راه آنان را پیگیری رفت و چرا نباید از شکست توطئه امپریالیسم افسوس بخورند که حنای فریب اینگونه عناصر را بکلی بیرنگ ساخت؛ با تشکر از ع.ج. خواستاریم که همکاری خود را با ما ادامه دهند.



در مدت یکماه و اندی که «مردم» در توقیف بدون دلیل و غیرموجه بسر میبرد، طبیعتاً دوستان «مردم» نیز نتوانستند انعکاس نامه‌های خود را در «مردم» مشاهده کنند. ولی این امر مانع از آن نبود که سیل نامه‌های دوستان به آدرس «مردم» سرازیر نشود و دوستان ما را از اخبار و وقایع کشور، نظریات و تحلیل‌های خود آگاه سازند. هر چند بسیاری از مطالب نامه‌های رسیده دیگر اکنون کهنه شده است، ولی هر یک از آنها روح همبستگی آگاه‌ترین و دلسوزترین مردمان را در مبارزه بخاطر استقلال و آزادی منعکس میسازد، در تگرانیهای مبارزان ضد امپریالیست، ضد استبداد و ارتجاع از توطئه‌های امپریالیست و مرتجعین شرکت میجوید، حقانیت ما را در مبارزه ستروگان یادآور میشود و بر نیرو، شور و امید مامی افزاید. این نامه‌ها پیمان نامه‌های اتحاد، مبارزه پیگیر تا آخرین نفس بادشمن غارتگر و توطئه‌گر، عشق به انسانیت و سعادت مردم‌اند. این نامه‌ها عظمت و دشواری راه ستروگی را که حزب ما در مدت ۲۸ سال طی کرده به ما یادآور میشوند و مشحون از ایمان و ایقان به فروغ ابدی این شعله سوزانند. امید است با انتشار مجدد «مردم»، که خود تأییدی بر حقانیت و صحت راه «مردم» است، دوستان «مردم» نیز ما را چون گذشته بانامه‌های پر مهر و پر شور خود یاری رسانند.

\*\*\*

دوستی با انضای «ناز» در نامه‌اش صحنه واقعی و زیبائی از وفاداری، عشق و همبستگی زحمتکشان را به حزب خود، حزب توده ایران بیان داشته است. حزبی که زحمتکشان، آنهنگام که آنرا میبایند، تاپای جان بدان مومن باقی میمانند، بهروزی آنرا نیکیبختی خود و سخن آنرا رهنمون زندگی خود میدانند. اینهم نمونه‌ای از ریشه‌های مستحکم حزب مادرمیان زحمتکشان: «ناز» مینویسد: «در روز رای‌گیری برای انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان بود. در یکی از حوزه‌های رای‌گیری، داشتم نام کاندیداهای حزب را روی ورقه رای مینوشتم که دستی به شانه‌ام خورد. برگشتم. مرد میانسانی بود که چهره و هیات زحمتکشان را داشت. کاغذ تاشده‌ای را که در دست داشت، بمن نشان داد و گفت: «لطفاً اینها را برای من بنویس». پیدا بود که سواد ندارد و اسمها را قبلاً داده بود برایش بنویسند. ورقه رای و کاغذ تاشده‌اش را گرفتم. کاغذ را باز کردم در صدر آن نام رفیق نورالدین کیانوری را خواندم. پس از آن، رفیق احسان طبری و پنج رفیق دیگر. و در آخرم آیت الله طالقانی، آیت‌الله صادق خلخالی و مسعود رجوی. نامها برایش نوشتم. در تمام این مدت، بادقتی عجیب، نوشته‌های مرا با آنچه قبلاً داده بود برایش بنویسند، از نظر شکل ظاهر کلمات مقایسه میکرد تا با یاد نام‌های دیگری در ورقه‌اش نوشته شود! وقتی تمام شد، کاغذ و برگه رای را باو برگرداندم. اما شور مقاومت ناپذیری که از ابتدا سراسر وجودم را فرا گرفته بود، سرانجام مرا بر آن داشت تا ورقه رای خود را به او نشان بدهم و بگویم: «من هم همین‌ها را نوشته‌ام!» نامهای نوشته در برگه رای مرا خوب بر انداز کرد. سر برداشت، بمن نگاه کرد و

# سندیکا یا شورای؟ یا هر دو؟

بحث در باره تشکیل سندیکا و شورا در کارخانه‌ها و موسسات تولیدی، از جمله بحث‌هایی است که در دوران پس از انقلاب اذهان کارگران و برخی سازمانها و گروههای سیاسی را شدیداً بخود مشغول داشته است. موافقان تشکیل شوراهای ضرورت سندیکاها را مطلقاً نفی و اینطور استدلال میکنند که «سندیکاها میخواهند در چارچوبی خاص، کارگران را به فعالیت صنفی محدود کرده و حرکت آنان را فقط در حد افزایش دستمزد و اعمال قدرت بر کارفرما، برای کاستن افزایش محوط کار نگه دارند. و یا،

«سرمایه‌داران در قبال شوراهای از سندیکاها حمایت میکنند تا فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک اینها را از بین ببرند و حرکت کارگران را در چارچوب صنفی اش شکل دهند. و یا، «اینان (سرمایه‌داری وابسته) تلاشی دارند تا با تجدید سندیکاها، گذشته، مانع یا گرفتن شوراهای که مناسب‌ترین نهاد برای جریانهای کارگری در مرحله فعلی انقلاب است بشوند. و یا،

«سندیکا و طرز تفکر سندیکالیستی برای شرایط امروز مملکت محدود و ناقص است. و غیره و غیره. سندیکا چیست و وظایف آن کدامست؟ سندیکا سازمانهای صنفی طبقه کارگرند که از حقوق و منافع مشترک کارگران دفاع میکنند. مبارزه سندیکالیستی یکی از اشکال مبارزه طبقاتی کارگران علیه تسلط سرمایه است. وظیفه سندیکاها بطور خلاصه عبارتست از،

حمایت از خواسته‌ها و مطالبات کارگران در برابر کارفرما، نظارت بر اجرای قوانین کار و بیمه، نظارت بر دستمزد، جلوگیری از اخراج کارگران، ایجاد صندوق اعتصاب کارگران، تأسیس شرکت تعاونی، رسیدگی به وضع بیمه و بهداشت و وسایل ایمنی، تأسیس کلاسهای یکنار با بسواد، بالا بردن سطح دانش و آگاهی حرفه‌ای، اجتماعی و سیاسی کارگران، ایجاد کتابخانه و سازماندهی جشنها، اعتصابات و نمایشهای کارگران و غیره و غیره.

این استدلال که سندیکاها بدرد نمیخورند، چون فقط سازمانهای صنفی طبقه کارگرند و ذهن طبقه کارگر را از فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک بازمیدارند، حداقل به دو دلیل صحیح نیست، اول اینکه سندیکاها سازمانهای سیاسی نیستند، ولی مبارزه صنفی کارگران بعمل روشن و معین، غالباً در چارچوب مطالبات صنفی زندانی نمیماند و کارگران، با آنکه در نخستین گام در برابر کارفرما در مخالفت با استثمار سرمایه هستند، ولی ناگزیر در برابر دولت قرار خواهند گرفت، که حامی سرمایه و بیابگیر منافع سرمایه‌داران است. در این مقطع است که مبارزه صنفی به مبارزه سیاسی بدل میشود. دوم - کارگران بر حسب گرایشهای سیاسی خود، فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک خود را در احزاب مترکز میکنند و سندیکاها نمیتوانند جانشین احزاب شوند.

برخلاف استدلال مخالفان سندیکاها، سرمایه‌داران بهیچوجه مدافع سندیکاها نیستند، زیرا سندیکاها از آغاز برای حمایت از منافع طبقه کارگر در برابر سلطه سرمایه و سودجویی سرمایه‌داران بوجود آمدند و در تمام سالهای موجودیت خود مبارزات درخشانی در راه حفظ منافع طبقه کارگر و علیه سلطه سرمایه انجام داده‌اند.

و اما شوراهای - شوراهای دارای وظایفی جدا از سندیکاها هستند. در یک کارخانه شورا در چارچوب دیگری، غیر از سندیکا عمل میکنند. بطور مثال شورا وظیفه افزایش سطح تولید، بهبود کیفیت تولید، نظارت بر قیمتها و نظایر آن را برعهده دارد. برای انجام این وظیفه، کارگران نمایندگان سندیکالی خود را به شورای کارخانه اعزام میدارند، تا آنها نیز مستقیماً در مدیریت کارخانه مشارکت داشته باشند و نمایندگان آنها بیا نگر خواستههای کارگران در موارد پیش گفته باشند.

بدینسان شورا و سندیکا دو نهاد مختلف هستند، که هر یک در چارچوب وظایف خود عمل میکنند، هیچکدام دیگری را نفی نمیکند و هیچکدام جانشین دیگری نمیشود. در یک کلام، در یک کارخانه هم میتوان شورا داشت و هم سندیکا.

عده‌ای چنین استدلال میکنند که چون در گذشته سندیکاها بسود کارفرمایان و در جهت پیشبرد مقاصد رژیم ضد کارگری عمل کرده‌اند، بدینجهت باید شوراهای جانشین سندیکاها شوند. در اینجا به گفته آن کارگر آگاهی استناد میکنیم که در سمینار بررسی اقتصادی گفت،

«اگر در گذشته نام سندیکا شورا بود، حالا هم شورا مورد تفرق بود. نباید با نانات بازی کرد. من هم عضو سندیکا هستم و هم عضو شورا.»

# چرا ساواکی‌ها امیدوارند؟

در جریان محاکمه چهار نفر از رژیمیان ساواک منحل، نماینده دادستان مطلبی اظهار داشت که موجب دلگرمی همه مبارزان میهن - دوست است. او گفت،

«بعضی از متهمان در دادگاه فکر میکنند که اگر در دادگاه بگویند که ما کمونیست‌ها را میکشیم و با آنها مبارزه میکنیم و به شکنجه آنها میپردازیم، در مجازات آنها تخفیف داده میشود. در صورتیکه چنین نیست، چون آنها نیز در مبارزه با طاغوت از جان خود گذشته بودند و این برای دادسرا ارزش دارد.»

(نقل از کیهان، ۴ مهر ۱۳۵۸) این گفته یک مقام رسمی، در یک مرجع رسمی، موجب نهایت مسرت ماست، زیرا سرانجام در چو ضد کمونیستی که برخی‌ها مصنوعاً ایجاد کرده‌اند و بدان دامن میزنند، یک مرجع رسمی، بر مبارزه گذشته کمونیستها با طاغوت، مهر تأیید میزند و بر آن ارجحیت میدهد. اما راستی چرا ساواکی‌ها تعقیب و شکنجه کمونیستها، حبس و تبعید و کشتار آنان را از مفاخر (۱) خود بحساب می‌آورند، بیشرمانه بآن اعتراف میکنند، و آنرا بعنوان

بدینسان مساهمت جنایتکارانه امپریالیسم امریکا لووت میشود. در چنین شرایطی، ساواکیها بجای آنکه از عواقب اعمال تنگنفس خود از خشم خلق برخوردار شوند، قوت قلب مییابند، آزادی عمل احساس میکنند، به کمونیست‌کشی خود افتخار میکنند و انتظار دارند مورد عفو قرار گیرند. در جو مساعد ضد کمونیستی است که این دشمنان سوگند خورده همه انقلابیون، از جمله و بسویژه کمونیستها، بر در دیوار شهر شمارهای ضد کمونیستی می‌نویسند، در صفوف تظاهرات و نمایشهای مردمی می‌کنند، در لباس يك انقلابی دو آتش مذهبی، اسلام را در برابر کمونیسم قرار میدهند و مردم‌سازد دل را بر ضد کمونیستها تحریک میکنند و در محل کار و زندگی خود علیه کمونیستها، به راحتی تبلیغ میکنند.

بدون تردید، اگر مانند دوران نخستین پس از پیروزی انقلاب، ساواکیها با پیگیری تعقیب، بازداشت، و مجازات شده بودند، اگر گروه گروه آزاد نمی شدند، اگر صفوف انقلاب و ضد اطلاع، اهمیت تعیین کننده پیدا میکنند. رهبری انقلاب باید توجه اول و اصلی خود را متوجه پاک و گسترده کردن مجاری اطلاع سازد. (انقلاب اسلامی - اول مهر)

مبارزه امپریالیسم امریکابا اسلام انقلابی، خواست امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، در مقطع کنونی، برای حفظ منافع اقتصادی و مبارزه با اسلام انقلابی، تقویت نیروهای ارتجاعی و حاکمیت عناصر و جریانهای فر توت و سازشکار است، تا از یک طرف نیروهای اصیل انقلابی را واپس راند، و از طرفی با حاکمیت آن عناصر غیر انقلابی و ضد انقلابی، بتواند رهبران مکتب انقلابی، بنام مکتب اسلام را از پویائی و محتوای انقلابی اش بیرون آورد.

مبارزه امپریالیسم امریکابا اسلام انقلابی، خواست امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، در مقطع کنونی، برای حفظ منافع اقتصادی و مبارزه با اسلام انقلابی، تقویت نیروهای ارتجاعی و حاکمیت عناصر و جریانهای فر توت و سازشکار است، تا از یک طرف نیروهای اصیل انقلابی را واپس راند، و از طرفی با حاکمیت آن عناصر غیر انقلابی و ضد انقلابی، بتواند رهبران مکتب انقلابی، بنام مکتب اسلام را از پویائی و محتوای انقلابی اش بیرون آورد.

مبارزه با کمونیسم يك شعار انحرافی است. بهیچوجه بعد از سقوط رژیم منقط و ضد توحیدی و پیروزی نسبی که بدست آورده‌ام، چه کسانی طراح شعارهای انحرافی اند. چه کسانی با استقرار قوانین طراز مکتب مخالفت پنهانی یا حتی آشکار می‌کنند. اگر بطور کلی جواب دهیم اینست که این افراد آنهاست که بهر نحوی از انحاء بر موقعیت اجتماعی، منافع اقتصادی و کانال بهره‌کشی شان در حال انسداد است. پس چاره چیست؟ طرح شعارهای انحرافی و سوق دادن حرکت خلق به کوره راهها. یکی از این شعارهای انحرافی مبارزه با کمونیسم است. این افراد با صرف هزینه‌ها و کورک عناصر نادان یا مغرض، از کمونیسم در اذهان توده‌ها غولی هفت شاخ میسازند و بعد با انواع ابزار و وسایل «دی» این مساله تبلیغات و جار و جنجال برآه می‌اندازند. (امت ... ۴ مهر)

# در مطبوعات کشور

**خوانندگان گرامی**  
خوانندگان مطالب مهم و جالب همه روزنامه‌ها هر قدر هم که لازم باشد - برای همه کسی مقدور نیست. نه وقت هست و نه امکان. ولی در بسیاری از جراید، خبرها و مطالب مهم و جالب نوشته میشود و شخصیت‌ها و دست‌اندرکاران در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و غیره اظهار نظرهایی می‌کنند و آرگانهای مسئول تصمیماتی را منتشر میسازند که آگاهی بر آنها لازمست. خواننده «مردم» میل دارد و حقوق دارد که دستکم با حداقلی از این اظهار نظرها و موضعگیریها و اخبار، که در سایر جراید انتشار می‌یابد، آشنا شود. اینست که - بدون ادعای در برگیری همه مطالب - و تنها در همان مرز «حداقل» و تنها برای بازتاب مسائلی که در جهت عمومی پیشبرد انقلاب است، یا آشنائی با آنها روشن بینی بیشتری برای مبارزه در راه پیشبرد انقلاب میدهد، شمارا بخوانند استون جدید «در مطبوعات کشور» دعوت می‌کنیم، تا ناگفته روشن است که چنین شرطی وجود ندارد که دقیقاً و کاملاً با نظر و عقیده ما تطبیق کند. خود شما هم بابریدن قطعات روزنامه‌ها و فرستادن مطالبی که به نظرتان مهم می‌آید (منتهی هر چه سریعتر و با ذکر دقیق نام نشریه و تاریخ انتشار) می‌توانید به ما در تنظیم این ستون یاری رسانید.

**نیاید زیر پوشش تعالیم اسلامی بسر نظام گذشته مهر تأیید دزد**  
داریوش فروهر، وزیر مشاور در سه‌مینار بررسی سیاست اقتصادی سخن گفت و تأکید کرد که نباید زیر پوشش تعالیم اسلامی بر نظام گذشته مهر تأیید زد. فروهر در آغاز سخنان خود گفت، «انقلاب اسلامی ملت ایران دارای ویژگی‌هایی بود و خواست‌هایی داشت، مسأله استقلال ملی و کلیه وجوهش، استقلال سیاسی، استقلال اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مسأله تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم، فروهر اضافه کرد، کلیه کسانی که به استقرار جمهوری اسلامی رای داده‌اند، بی‌شک اینها را بطور کامل میخواستند، و چنین

اساسی، ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد